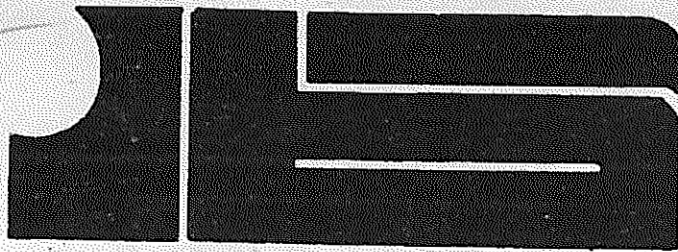


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



با افشای غیرقانونی کردن
سازمانهای انقلابی
از دستاوردهای
قیام دفاع کنیم

سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۵۹

۲۰ صفحه (با ضمیمه) - ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۷۴

● ممنوعیت فعالیت فدائیان و سایر نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است .

میتوانند بطور متشکل با آن مبارزه نمایند ، عملاراه را برای محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ هموار میسازد .
دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر از همان روزهای نخستین پس از قیام دشمنی خویش را با نیروهای انقلابی آشکار ساخت . دستگیری متجاوزان زجیل تن بقیه در صفحه ۵

دمکراتیک بمنظور خدمت به سرمایه داران و زمینداران ، در شرایطی صورت میگیرد که محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ هر روز در تدارک توطئه جدیدی هستند .
دادسرای انقلاب اسلامی ممنوع کردن فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست ، نیروهای که سر سخت ترین دشمنان امپریالیسم و پایگاه داخلی آن بوده و

در هفته گذشته دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر با صدور اعلامیه ای ، فعالیت فدائیان خلق و سایر گروههای سیاسی را در این دو شهر تا تعیین تکلیف توسط مجلس شورای اسلامی ، ممنوع اعلام کرد .
متعاقب آن در شهر یابل نیز فعالیت گروههای سیاسی ممنوع اعلام گردید .
این اقدامات که گامی است در جهت سلب آزادیها و حقوق

● سرمقاله "دولت تفاهم" یا "دولت تضاد"

سرانجام پس از درگیریها و کشمکشهای طولانی بین دو فراقسیون بورژوازی متوسط بر سر تعیین نخست وزیر ترکیب کابینه ، رجائی بعنوان نخست وزیر ، کابینه خود را به مجلس معرفی کرد . اما بنی صدر که خود از حضور در مجلس خودداری کرده بود ، دولت رجائی را نه "دولت تفاهم" بلکه "دولت خط تضاد" معرفی کرد و این مسئله از هم اکنون چشم انداز مناسبات میان این دو فراقسیون و آینده تضادهای آنها را تعیین می کند . کابینه رجائی هنگامی به مجلس معرفی میشود که جامعه با یک بحران اقتصادی و سیاسی حادث دست به گریبان است .

بحران اقتصادی که از مدتها پیش از قیام کل جامعه افرا گرفته است ، با گذشت هر روز ژرف تر شده و با بعد تازه تری یافته است . تمام دلائل و شواهد حاکی از آنست که تاکنون هیچکدام از اقدامات هیئت حاکمه نتوانسته است ، رکود مزمن و فلج کننده کنونی را از بین ببرد و با اقتصاد رونقی هر چند کوتاه بقیه در صفحه ۲

● تصویب لایحه مربوط به پاکسازی... بار دیگر ماهیت سرمایه داران شورای انقلاب را آشکار ساخت .

همچنانکه در "کار" ۷۱ گفتیم شورای انقلاب در اواخر کارش ، رسالت خود را در دفاع از منافع سرمایه داران شتابزده و با تصویب یک سری قوانین ضد کارگری در مورد "شوراها" ، "لغوسودویژه" ، "پاکسازی" و... بی پایان رسانید . در همان "کار" قانون شوراها و لغوسودویژه را مورد نقد قرار داده ماهیت ضدکارگری آنرا نشان دادیم . اکنون "لایحه" قانونی مربوط به پاکسازی درواحدهای صنعتی ، خدماتی و کشاورزی "مصوب ۵۹/۴/۲۲ کمیسیون بقیه در صفحه ۹

حرفهای کهنه شده منشویکی ضمیمه

● نمایندگان مجلس و مساله اخراج و تفتیش عقاید در وزارت آموزش و پرورش

هیئت حاکمه که بیورش گسترده ای را به نیروهای انقلابی در جهت سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها آغاز کرده است در ادامه این امر به سیاست ارتجاعی و ضد دمکراتیک اخراج معلمین آگاه و مبارز روی آورده است . اخراج معلمین انقلابی در هفته های اخیر با بیسابقه ای یافته و تعداد زیادی از آنها به اتهام داشتن تمایلات ترقی خواهانه و انقلابی اخراج شده اند . اما هیئت حاکمه سیاست فریبکارانه ای را در پیش گرفته است و همسراه با اخراج دست جمعی معلمین و دبیران انقلابی هر چند یکبارتنی چند از سرسپردگان رژیم مزدور پهلوی را نیز اخراج می کند تا بدین طریق بر اعمال ننگین و ضد انقلابی خود در مورد تصفیه نیروهای مبارز و آگاه سرپوش بگذارد . هیئت حاکمه که از آگاهی توده ها هراس دارد به همین جا بسند نکرده بلکه تفتیش عقاید را در آموزش و پرورش بر راه انداخته است و تنها کسانی را با استخدا م آموزش و پرورش و شغل معلمی می پذیرد که با ایدئولوژی ، خط مشی و سیاستهای بغایت

بقیه در صفحه ۴



● یاد صمد بهرنگی
انسان ، آموزگار و نویسنده -
- انقلابی را گرامی بدریم !

صفحه ۱۱

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

در این شماره:

یاد رفیق هوشی مین کمونیست
رزمنده و انقلابی کبیرگرمی باد

زحمتکشان و مساله ای بنام مسکن (۳)

اخبار کارگری

"دولت تفاهم" یا "دولت تضاد"

بقیه از صفحه ۱

مدت بیخشد. نتیجه این بحران اقتصادی برای توده‌ها، بیکاری، فقر، گرسنگی و خانه‌خوابی بوده است. اکنون ارتش عظیمی از کارگران بیکار در جستجوی کار بصری برند، انبوهی از خانواده‌های آنها در فقر و فاقه و در بدترین شرایط زندگی می‌کنند. افزایش بی‌پایی قیمت‌ها و گرانی سرسام‌آور کالاهای مورد نیاز زحمتکشان، توده‌ها را تحت فشار طاقت‌فرسائی قرار داده است و هر روز که میگذرد این بحران، شرایط زندگی را بر آنها دشوارتر می‌سازد. دولت بورژوازی حاکم می‌کوشد با فشار بیشتر بر تمام اقشار و طبقات خلقی، خود را از این محصنه نجات بخشد، سودویزه کارگران را که بخشی از دستمزدها است، لغو می‌کند، حقوق و مزایای کارمندان جزو راکاهش میدهد، و هزاران تحصیل‌دیکر بر خلق روا میدارد. در این شرایط مبارزه طبقاتی و تضادهای درونی هیئت حاکمه شدت یافته است. هر چه بحران اقتصادی زرف‌تر شود هر چه مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی توده‌ها عمیق‌تری یافته، تضادهای درونی هیئت حاکمه حدت یافته، و حکومت موجود در بحران بیشتری فرو رفته است. معرفی کابینه رجائی به مجلس و نحوه برخورد بنی‌صدر با آن، مرحله تازه‌ای در درگیری و شدت تضادهای درونی هیئت حاکمه است. در چند ماه گذشته با تقویت روزافزون حزب جمهوری اسلامی و موضع تهاجمی آن علیه لیبرالها، آنها بیش از پیش در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند. سیاست بنی‌صدر در رابطه با معرفی کابینه این بوده است که با تاکید بر تشکیل "دولت تفاهم" و یا عبارتی دولتی ائتلافی دوفراکسیون بتواند موضع لیبرالها را مستحکم تر کند. اما با توجه به نقش ارتش و ارگانهای سرکوب اقتدار دولتی، برپست‌های حساس و مواضع کلیدی در دستگاه دولتی تاکید کرده است و بیخاطر اعمال نقش همونیگ جناح خود، تسلط و فرماندهی بر ارتش، پلیس، ژاندارمری و زوواتسد

مدت بیخشد. نتیجه این بحران اقتصادی برای توده‌ها، بیکاری، فقر، گرسنگی و خانه‌خوابی بوده است. اکنون ارتش عظیمی از کارگران بیکار در جستجوی کار بصری برند، انبوهی از خانواده‌های آنها در فقر و فاقه و در بدترین شرایط زندگی می‌کنند. افزایش بی‌پایی قیمت‌ها و گرانی سرسام‌آور کالاهای مورد نیاز زحمتکشان، توده‌ها را تحت فشار طاقت‌فرسائی قرار داده است و هر روز که میگذرد این بحران، شرایط زندگی را بر آنها دشوارتر می‌سازد. دولت بورژوازی حاکم می‌کوشد با فشار بیشتر بر تمام اقشار و طبقات خلقی، خود را از این محصنه نجات بخشد، سودویزه کارگران را که بخشی از دستمزدها است، لغو می‌کند، حقوق و مزایای کارمندان جزو راکاهش میدهد، و هزاران تحصیل‌دیکر بر خلق روا میدارد. در این شرایط مبارزه طبقاتی و تضادهای درونی هیئت حاکمه شدت یافته است. هر چه بحران اقتصادی زرف‌تر شود هر چه مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی توده‌ها عمیق‌تری یافته، تضادهای درونی هیئت حاکمه حدت یافته، و حکومت موجود در بحران بیشتری فرو رفته است. معرفی کابینه رجائی به مجلس و نحوه برخورد بنی‌صدر با آن، مرحله تازه‌ای در درگیری و شدت تضادهای درونی هیئت حاکمه است. در چند ماه گذشته با تقویت روزافزون حزب جمهوری اسلامی و موضع تهاجمی آن علیه لیبرالها، آنها بیش از پیش در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند. سیاست بنی‌صدر در رابطه با معرفی کابینه این بوده است که با تاکید بر تشکیل "دولت تفاهم" و یا عبارتی دولتی ائتلافی دوفراکسیون بتواند موضع لیبرالها را مستحکم تر کند. اما با توجه به نقش ارتش و ارگانهای سرکوب اقتدار دولتی، برپست‌های حساس و مواضع کلیدی در دستگاه دولتی تاکید کرده است و بیخاطر اعمال نقش همونیگ جناح خود، تسلط و فرماندهی بر ارتش، پلیس، ژاندارمری و زوواتسد

مدت بیخشد. نتیجه این بحران اقتصادی برای توده‌ها، بیکاری، فقر، گرسنگی و خانه‌خوابی بوده است. اکنون ارتش عظیمی از کارگران بیکار در جستجوی کار بصری برند، انبوهی از خانواده‌های آنها در فقر و فاقه و در بدترین شرایط زندگی می‌کنند. افزایش بی‌پایی قیمت‌ها و گرانی سرسام‌آور کالاهای مورد نیاز زحمتکشان، توده‌ها را تحت فشار طاقت‌فرسائی قرار داده است و هر روز که میگذرد این بحران، شرایط زندگی را بر آنها دشوارتر می‌سازد. دولت بورژوازی حاکم می‌کوشد با فشار بیشتر بر تمام اقشار و طبقات خلقی، خود را از این محصنه نجات بخشد، سودویزه کارگران را که بخشی از دستمزدها است، لغو می‌کند، حقوق و مزایای کارمندان جزو راکاهش میدهد، و هزاران تحصیل‌دیکر بر خلق روا میدارد. در این شرایط مبارزه طبقاتی و تضادهای درونی هیئت حاکمه شدت یافته است. هر چه بحران اقتصادی زرف‌تر شود هر چه مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی توده‌ها عمیق‌تری یافته، تضادهای درونی هیئت حاکمه حدت یافته، و حکومت موجود در بحران بیشتری فرو رفته است. معرفی کابینه رجائی به مجلس و نحوه برخورد بنی‌صدر با آن، مرحله تازه‌ای در درگیری و شدت تضادهای درونی هیئت حاکمه است. در چند ماه گذشته با تقویت روزافزون حزب جمهوری اسلامی و موضع تهاجمی آن علیه لیبرالها، آنها بیش از پیش در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند. سیاست بنی‌صدر در رابطه با معرفی کابینه این بوده است که با تاکید بر تشکیل "دولت تفاهم" و یا عبارتی دولتی ائتلافی دوفراکسیون بتواند موضع لیبرالها را مستحکم تر کند. اما با توجه به نقش ارتش و ارگانهای سرکوب اقتدار دولتی، برپست‌های حساس و مواضع کلیدی در دستگاه دولتی تاکید کرده است و بیخاطر اعمال نقش همونیگ جناح خود، تسلط و فرماندهی بر ارتش، پلیس، ژاندارمری و زوواتسد

"میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم دره عمیقی است که باید با خاکستر کمونیست‌ها پر شود، ما میخواهیم خاکستر این دره را بشیم"

یادرفیق هوشی مین کمونیست رزمنده

و انقلابی کبیرگرامی باد

روز سوم سپتامبر ۱۹۶۹ جنبش کمونیستی و انقلابی جهانی یکی از رهبران خود، رفیق هوشی مین مبارز سرسخت، انترناسیونالیست کبیر و سمبل مبارزات انقلابی عصر ما را از دست داد.

رفیق هوشی مین کمونیستی خستگی ناپذیر بود که از همان اوائل زندگی خود به فعالیت‌های انقلابی روی آورد. زندگی او را در راه آزادی طبقه کارگر و مبارزه علیه امپریالیسم نهاد.

او یکی از فعالین و اولین اعضاء حزب کمونیست فرانسه بود که در سال ۱۹۲۱ به همراه تعدادی از رزمندگان مستعمرات فرانسه "اتحادیه بین‌المستعمرات" را بمنظور مبارزه‌های هماهنگ و پیگیر علیه امپریالیسم فرانسه، پایه‌گذاری کرد. رفیق هوشی مین بعنوان یک کمونیست، با ایمان زوال ناپذیرش به نقش توده‌ها در تاریخ، تلاش گسترده‌ای را بمنظور شکل‌آگاهی توده‌ها بمنظور بر انداختن سلطه امپریالیسم فرانسوی و مرتجعین داخلی، از هندوچین آغاز نمود. او پیگیرانه در راه ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر تلاش نمود و در فراخوان تاسیس حزب چنین گفت:

"یک حزب کمونیست در هندوچین تاسیس شده است، این حزب طبقه کارگراست. حزب، به طبقه کارگر در انقلاب و مبارزه برای خواسته‌های تمام مردم ستمدیده و استثمار شده‌ها را همدم خواهد داد. از هم اکنون ما باید به حزب بیبوندیم به آن کمک کنیم و از آن پیروی کنیم."

در اثر رهبری درست رفیق هوشی مین حزب کمونیست ویتنام، جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها را به بهترین وجه رهبری نمود. فراخواندن هوشی مین برای قیام عمومی در لحظه مناسب بیانگر توانائی او در رهبری صحیح توده‌ها بود.

"زمان تعیین کننده برای سر نوشت ملت ما فرارسیده است، بگذار همه مردم کشور بیاخیزند. با نیروی خودمان خود را آزاد سازیم. بسیاری از مردم ستمدیده جهان برای بدست آوردن استقلال از یکدیگر پیشی می‌گیرند. ما نمی‌توانیم عقب بمانیم. به پیش! به پیش! در زیر پرچم ویت‌مین، بگذار مردم ما شجاعانه به پیش‌گام بردارند."

هوشی مین می‌گفت "در شرایط مساعده برای جنبش انقلابی، در این عصر هرملتی، حتی یک ملت کوچک، مشروط بر آنکه بطور صمیمانه متحد بود و قاطعانه بر مبنای یک خط سیاسی و نظامی صحیح مبارزه نماید و با کمک و پشتیبانی فعالان در دو گاه سوسیالیست و مردم انقلابی در جهان میتواند امپریالیست تجا و زکار منجمه سر کرده آنها، ایالات متحده را شکست دهد." و این امر از ایمان او به توده‌ها ناشی می‌شد. هوشی مین روز ۳ سپتامبر، پس از سالها مبارزه و تلاش در گذشت اما هوشی مین و تمام کسانی که در راه‌های طبقه کارگر مبارزه کرده‌اند زنده‌اند. و چنین شخصیت‌هایی در تاریخ جاودان‌اند.

کمیت مرکزی حزب کمونیست ویتنام در فراخوان خود چنین گفت:

"رفیق هوشی مین یک میهن پرست بزرگ، یک شاگرد وفادار کارل مارکس و ولادیمیر ا. لینن، روحیه مبارزه آشتی ناپذیرا علیه امپریالیسم با نگاه‌ها داشته است و همه زندگی خود را وقف آزادی طبقه کارگر، ملت و بشریت، استقلال و آزادی، برای سوسیالیسم و کمونیسم نمود. وی روحیه استقلال طلبی و حاکمیت طلبی را برافراشته، مارکسیسم - لیننیسم را در شرایط مشخص کشور ما خلاقانه ب مورد استفاده گذارد و وطن پرستی واقعی را با انترناسیونالیسم پرولتری توأم نمود. وی تجسم تلفیق پسندیده‌ترین سنن ملت ویتنام با ایدئولوژی انقلابی بی‌پای عصر ما مارکسیسم - لیننیسم بود."

با تکیه به نیروی توده‌ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

اخبار کارگری

گزارشی از کارخانه پلاستوماسوره کار

کارگران این کارخانه، تحت فشار سرمایه داران، روزانه ۱۲ ساعت کار میکنند!

کارخانه پلاستوماسوره کار تولیدکننده ماسوره مافندگی، واقع در جاده قدیم کرج و متعلق به دو برادر سرمایه دار آلمانی است. سید اصغر هاشمی و سید محمود هاشمی می باشد، مدیر عامل کارخانه سید اصغر هاشمی است. مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه قبل از قیام ارتش در زمان زان و لمان تهیه می شد و فعلاً نیز از طریق ایتالیا از کشور آلمان خریداری می شود. کارگران این کارخانه که تعدادشان بین ۲۰ تا ۵۰ نفر متغیر است به شدیدترین شکل، توسط برادران هاشمی استثمار می شوند. مثلاً ساعات کار هر شیفت در این کارخانه دو و دو ساعت است که از کارخانه های دیگر بیشتر است. با درمورد عیدی و پاداش سالانه که بخشی از حقوق کارگران بوده و حق مسلم آنهاست، در این کارخانه هیچگونه وجهی تحت این عنوان پرداخت نمی شود. زیر سلطه مستبدانه برادران هاشمی کارگران حق هیچگونه اعتراضی ندارند. آنها بر اجتناب و بدخواه خوددگاری را که به شرایط سخت کار اعتراض می کنند، اخراج کرده و مگر کارگر جدید جایگزین می کنند. اما سال گذشته شدت فشار بر کارگران به حدی طافت فرسایند که گاه سه صبرشان لبریز شد و اعتراضی دستجمعی آغاز کردند. آنها که می دیدند پس از قیام نه تنها هیچ تغییری در وضعیتشان حاصل نشد بلکه سرمایه داران صاحب کارخانه به بهانه کمکی به "انقلاب سلاسی" معیسی در استثمار بیشتر آنان هم دارند.

تنها راهی که صحیح ترین هم بود در مبارزه برای کسب حقوق از دست رفته خود یافتند. زمزمه های اولیه صورت گرفت. شور و خشم فروخته کارگران شعله کشید، و اعتصاب آغاز گشت. در این رابطه مهمترین خواسته های آنان عبارت بود از: پرداخت حق مسکن عقب افتاده، تبدیل شیفت کار دو و دو ساعت به هشت ساعت، حق خوار و رو حق اولاد، برادران هاشمی جدیداً به وحشت افتاده بودند. اضطراب سرمایه داران وجودشان را گرفته بود. به توطئه های کوناگون متوسل شدند که مانع از ادامه اعتصاب حق طلبانه کارگران شوند. اما شعله سوزان قیامشان را نماند. کارگران از آن بود که با این وعده وعیدهای دروغین به خاموشی گراخته و سرد شود. کارفرمایان وقتی دیدند با الفاظ نمی توانستند کارگران را به سر کار برگردانند، بلافاصله به حامیان قانونی و مسلح خود پناه بردند. آنها از طرفی ما موران وزارت کار و از طرف دیگر ما موران مسلح کمیته ۱۷ شهریور (شاداد با سابق) وابسته باری تلیدند و ما موران خد متنگر احکامیت ماهیتا سرمایه داری، بمجرد مطلع شدن از خطری که "سرمایه" پلاستوماسوره را تهدید می کرد بطرف کارخانه گسیل شدند و با حمله به کارگران و متفرق کردن آنها، اعتصاب را شکستند. نماینده آنها دستگیر شد و روانه اوین گردید و مدتی در آنجا زندانی بود و پانزده نفر از کارگران اخراج شدند. با ایا کارگران

در حالیکه خواست اکثر کارگران ۴۰ ساعت کار در هفته است "کارگران کارگاهی" هنوز برای ۴۸ ساعت کار در هفته مبارزه میکنند!

● در کارگاههای کوچک، فشار کار آنچنان طاقت فرسا و مستمر است که حتی اجرای "قوانین کار آریامهری" نیز برای کارگران امتیاز مثبتی به حساب می آید!

کار سنگین، مزد کم، ساعات کار زیاد، محیط غیر بهداشتی، نداشتن امنیت شغلی، زورگویی، توهین، شدید فحش و ناسزا، اخراج مداوم و کراتی بیش از حد، وضعی برای کارگران کارگاهی بوجود آورده که زندگی شان تبدیل به مرگ قدری می شود. است. مرگ تدریجی در گورستانی بنام کارگاه. هر روز صبح با گولهای از فشار و بدبختی باید به این محیطهای تاریک و غیر بهداشتی، که قوانین شبهه به دوران سزده داری بر آن حاکم است وارد شوند و تا انتهای روز زیر شلاقهای وحشی، ناسزا، زورگویی و خطرات جانی استثمار شوند. یکی از این کارگران می گفت: "ما هیچگاه آفتاب را نمی بینیم، صبح قبل از طلوع خورشید باید سر کار باشیم و عصرها وقتی هوا تاریک است از میدان با خشم و کین به آنجا می رویم. در این کارگاهها فشار کار آنچنان طاقت فرسا و مستمر است که حتی اجرای "قوانین کار آریامهری" نیز نمی کند مانع تحقق خواسته های

برای کارگران امتیاز مثبتی است. خواست ۸ ساعت کار در روز، جلوگیری از استثمار کودکان، خواستی است که حتی در قوانین بین المللی سرمایه داری ناچار به اجرائیش شده اند، برای کارگران کارگاهی به نامهای "روزگویی" در نخیلاتشان می ماند. در شرایطی که ۸ ساعت کار در روز را حتی خونخوارترین امپریالیستها و سرمایه داران پذیرفته و در قوانین بورژوازی خود درج کرده اند، در شرایطی که بخش عظیمی از کارگران اکنون دیگر بخاطر ۸ ساعت کار در هفته مبارزه می کنند، کارگران کارگاهی باید هنوز بخاطر روزی ۸ ساعت کار (و هفته ای ۴۸ ساعت) فریاد بکشند و مشت گره کنند، و در دست در مقابلشان رژیم جمهوری اسلامی که حمایت خود را از سرمایه داران و طبقه خود میداند با خشم و کین به آنها دندان فرو چهرفته، با با سر نیزه و زندانهای خود و با آتوای نینس رنگارنگ مختلفه گهر روز صا در می کند مانع تحقق خواسته های

وزارت کار و امور اجتماعی
اداره کل بیمه های اجتماعی

با اینکه معیار چه از رادبو و تویزیون چه در مطبوعات و چه در سخنرانی شخصیت های سیاسی مذهبی دریا، نقش روزی آبرین ماکرگران دولتی و دولتیست ملت ایران علیه دستگاه طاقتور و ظالم و تان توضیح داده شده، با اینکه اصحاب سلطنت ماکرگران بود که چرخ صنایع این ملت را متوقف کرده با انحال گران و قهر و وبگری ناشی از بهم ریختن اقتصادی ملت متوجه ماکرگران کردند.

اکثر زندانبانها به خانواده های سرگشته و زخمی طاعت میگردند و تنها شرمه ما از این درگونی بیکاری بیارزویی قریب دو میلیون کارگر طبق آمار داده شده توسط مقامات رسمی است که اکثر کارگران نمایی را از آن کم کنیم رقم بزرگی از کارگران بیکار به دست می آید که در پشت پرده کارگاهها و کارخانجات است که این تعداد کارگران شامل را چه نظرسنجی نشده و چه بیکاری نمانده است.

این اوضاع فرساینده میوه چندان پستی همان کارمندان داده، تا فشار را هر چه بیشتر بر ماکرگران زیاد نمایند از پشت حین اوضاع در کارگاههای کوچک، آنها دستور را (از طریق اخراج کارگران با سابقه و با داشتن کردن کارگران کم سابقه) پانزده آرزو دارند بلکه ساعات کار را نیز بصورت نامحدود بالا برده اند. از اقبال کمتر از ۱۰ سال روزانه ۱۲ تا ۱۰ ساعت کار میکنند. از بیبه و بهداشت ذرا کتر آنها خبری نیست. حتی کارگاههایی هستند که ۲۰ نفر در آن کار میکنند ولی هرگز لیست همه تنظیم نمی شود.

باجود بیکاری و گرسنگی کارگران ایرانی با بیکار گارد تمام تعداد کارگران خارجی سبب شده تا بازار کار از اینهم خرابتر شود. زیرا در بسیاری از کارگاهها حتی از حداقل دستمزد تعیین شده از طرف وزارت کار نیز کمتر پرداخت میشود. کار سنگین، مزد کم، ساعت کار زیاد، محیط غیر بهداشتی، آذاشتن امنیت کاری، زورگویی، توهین شدید، لعن و ناسزا، اخراج مداوم و کراتی بیش از حد وضعی برای ماکرگران بوجود آورده که دیگر حوصله ای ندارند تحمل کنند. کار شدیدتر میشود، مزد کم تر میشود و وقتی کار میکنند ساعات کار بیشتر از ۸ ساعت است. وضعی اعتراض می کنیم بیکاری ما را تهدید میکند. ایست بهره ماکرگران از همه این کشته ها و قیامها و وسر و صداها، حل همه زندگی ما بهترین کار، کشتن ستم.

سندبهای کارگران لایزال و کمپلک برای برابری عدالت نسبت در کار برای اجرای قوانین موجود کار خواسته های زیرین را که خرابی است قانونی و انسانی برای همه کارگران به خصوص کارگران سلسله لایزال و کمپلک که متروپور آن کارگران کارگاهی هستند طلب میکنند:

- ۱- اجرای فوری قوانین کار در سطح کلیه کارگاهها با هر تعداد کارگر و فروری ۸ ساعت کار
- ۲- اجرای قوانین بیمه های اجتماعی و نظارت در اجرای بهادت در محیط کار
- ۳- جلوگیری از اخراج کارگران بهر عنوان (حذف ماده ۳۳ قانون کار)
- ۴- پرداخت حداقل دستمزد بر مبنای ۲۰۰۰ حداقل دستمزد تعیین شده، برای کارگران
- ۵- قطع کار مزدی در کارگاهها
- ۶- تبدیل کارآموزان بکارگران رسمی پس از مدت قانونی
- ۷- جلوگیری از اشتغال کارگران خارجی تا هنگامیکه کارگر بیکار ایرانی وجود دارد و برابری تساوی حقوقی بین ایندو.

سندبهای کارگران لایزال و کمپلک تهران و حومه
تعداد: لیست ۳۳ تاسیس ۱۳۳۴

آدرس: خیابان شریعورزند بین عباسی و انصاری (قطعات عمومی روزهای سفینه از ساعت ۵/۵ بعد از ظهر)

کمیته پاکسازی ضد انقلابیون یا کارکنان انقلابی !!

کارگران ۵۳۱ و مبارز!

اکنون ماهیست که کمیته های پاکسازی در شرکتها و کارخانجات وابسته به صنایع دفاع کارشروع و آغاز کرده اند. پس از بدتجاهلی ملی با کم کاری کمیته های پاکسازی بتازگی فعال شده اند. این کمیته ها شروع به تعقیب و تعهد های از مشاورین و رؤس سابق نمودند لیکن این عمل تنها پوششی شده است برای به اجراء آوردن نیت اصلی شان که تفتیش و تعقیب و اخراج کارگران و کارکنان انقلابی و مترقی می باشد. نتیجه های زیر خرد گیاه این مسئله است:

در شرکت پنباه بهانه یافتن آثار طنز که کد هار است جستجو میکنند. در صنایع هواپیما در جهت انحلال شیروان بر طبقه کارکنان شرقی دست به توطئه چینی میزنند. در بارچین شاهجه اخراج عناصر مترقی را می پرانند. در مهمانسازی بر طبقه کارگران شرقی توطئه چینی کرده و ضد انتقال آنها به قسمتهای دیگر دارند تا مانع وحدت و پیشگامی آنها گردند. در کارگاههای همای راننده به بهانه اخراج نمودن مانده بهالایر در کارخانه با همیاری نیرو بر طبقه کارگران پیشرو یعنی با بنده به و رابط دست به جمع آوری طرما میزنند!

مطمئن محکم نمودن اینگونه اعمال از کارگران مبارز میروا هم با اتحاد و غیر مانع اینگونه حرکات ضد انقلابی شوند.

عناصر ضد کارگری یعنی ضد اطلاعات آنها، مدیران سرسبز و ... باید مورد تعقیب و پاکسازی قرار گیرند نه کارکنان مبارزی که همواره در جهت احقاق حقوق کارگران و کارکنان عمل کرده اند.

کارکنان پیشرو صنایع دفاع
مرداد ۵۹

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

بقیه از صفحه ۱

● نمایندگان مجلس و مسأله اخراج و تقشیر عقاید در وزارت آموزش و پرورش

ایدئولوژی، خط مشی و سیاستهای بغایت ارتجاعی و ضد مکر تیک حزب جمهوری اسلامی موافق باشند، اما بعدا در سوا کننده این مسئله تا بدان جا کشید که سرانجام تحت تاثیر و عملکرد تضادهای هیئت حاکمه، در مجلس نیز مطرح شد.

حال ببینیم نمایندگان مجلس بورژوازی از چه موضعی با این مسئله برخورد کردند و اختلاف آنها در این مورد دیررس چیست؟

یکی از نمایندگان مجلس بنام محمد محمدی گرگانی بهنگام طرح این مسئله در مجلس اظهار میدارد که: "اشکی از درد در چشمانش جمع بود... او علت این اشک ریزان را چنین توصیف می کند که: در موقع مصاحبه با متقاضیان استخدام در آموزش و پرورش از آنها سئوالات زیر شده است: "نظرتان را چه به دفتر هماهنگی چیست؟ نظرتان درباره نماینده ای که متشاء درگیری در مجلس بوده چیست؟ نظرتان را چه به حزب چیست؟ نظرتان را چه به بنی صدر چیست؟ آیا بنی صدر مکتبی است یا خیر؟ متاسفانه اگر گرگانی بشاکی نه مارکسیسم، بلکه با این مسائل حزبی داشت عدم صلاحیت او برای معلمی تشخیص داده میشد... من بهیچ عنوان ضدهیچ حزبی مثل حزب جمهوری اسلامی نیستم... من نمی گویم این کار، کار خاص حزب است."

البته جناب نماینده مجلس فراموش کرد که بگوید در سرفه سئوالات کمیته های بخش محلی قسمت پاکسازی از معلمین سئوال می شود آیا با کمونیسم چگونه آشنا شده اید؟ آیا ایدئولوژی ما هدین چگونه آشنا شده اید؟ چه کتابها در کتابخانه مدرسه دارید؟ هدف شما از رفتن به کوه چیست؟ گروهها کی که در کردستان فعالیت داشتند بنظر شما چه بینشی داشته اند بهر حال ضرب المثلی است معروف که میگوید آتش نقر شور بود که

خواجهم فهمید، اما زحمتکشان مبین ما می دانند این خواجها "نمایندگان مجلس شورای اسلامی" ذائقه ای بجز ذائقه زحمتکشان ندارند! آنها اگر تقشیر عقاید را در لاف و بنا ترس و لرزه عنوان میکنند، فقط در جد دعوی جناح های هیئت حاکمه است و گرنه علیه مارکسیستها و سایرین، نه های انقلابی به بیان خودشان میثاق وحدت بسته اند. فرزندان زحمتکشان، دانش آموزان مبین ما نخست وزیر محبوب حزب جمهوری اسلامی آقای محمد علی رجائی و نماینده همین مجلس را بخوبی میشناسد زیرا با رها علیه اقدامات ضد انقلابی او در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود از جمله برقراری مجدد شهریه مدارس و تعطیل فعالیت های دمکراتیک و دفاع تردانش آموزان و دست به تظاهرات و اعتراض زده اند و خلق قهرمان کردستان بخوبی میدانند که سیاه ترین کارنامه این جناب نخست وزیر آینه شده در آموزش و پرورش اخراج دسته جمعی معلمان و فرهنگیان کردستان بوده است.

با هنر نماینده دیگر مجلس و شریک وی آقای رجائی می گوید: "من نمی دانم، آیا ما مجاز هستیم از طرف خدا و انقلاب و امام که امسال در بستر انقلاب وقتی که میخواهیم معلم انتخاب کنیم بی در و دروازه هر که باشد انتخاب کنیم؟ ما این را بهیچ وجه نمی پذیریم. بنا بر این امسال که در حدود ۳۰۰۰ معلم جدید میخواهیم انتخاب کنیم ناگزیریم که این افراد

را شناسائی کنیم و اگر چنانچه غیر مسئولانه یا این موضوع برخورد کنیم مواخذه خواهیم شد...". بنا بر این، این گروه های مصاحبه برای شناسائی افراد بوجود آمدند و از افراد و طلب در حدود ۱۵۰ تا ۱۵۰ سوال در مسائل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی... میشود. با هنر با این زبان به لیبرالها میگوید که اگر تقشیر عقاید می کنیم، علیه شما نیست زیرا: "البته ممکن است بعضی از گروه های مصاحبه کننده در بعضی از شهرها اشتباهاتی بکنند و تنگ نظری هایی داشته باشند که البته اگر گزارش آنها بماند پس از بررسی جلو آنرا خواهیم گرفت". او با این وسیله دوباره میثاق وحدتی را که بین دو جناح بورژوازی وجود دارد متذکر می شود و به لیبرال ها اطمینان میدهد اخراج و تقشیر عقاید علیه نیرو های خودی از جمله لیبرال ها نیست بلکه علیه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی است، بدین طریق حل خرده اختلافات را با لیبرالها نوید می دهد، اما در همان حال اعتراف می کند که جمهوری اسلامی دچار آنچنان ضعف فرهنگی و ورشکستگی ایدئولوژیک سیاسی شده است که هنوز چندها می از عمرش نگذشته که به شیوه های محمدرضا شاهی متوسل می شود، ترور و اختناق فکری براه می اندازد، معلمین را که نقشی بس ارزنده در آگاهی توده ها و مبارزه علیه رژیم سرسره شاه داشتند از مدارس اخراج می کند، تنها رژیم هایی که حافظ منافع سرمایه داران هستند، و مرحله ورشکستگی

رسیده اند نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی دیگر یک چنین موضع خصمانه ای اتخاذ می کنند، البته با هنر و لیبرالها را او در شورای انقلاب از مدتی پیش در جهت منافع طبقه سرمایه داران قوانینی وضع نمودند که نتیجه ای جز بی محتوا کردن آموزش و پرورش و اخراج عناصر آگاه آن نداشت و بنا بر سنت سرمایه داری را از تکانه های شدید آگاهی توده ها نگاه می داشت و از همین روست که بنا به پیشنهاد آقای رجائی لایحه قانونی بمنظور استخدام کارمندان اطاق منحل اصناف یعنی یک سازمان ضد خلقی را بدون تعیین ضوابطی به شورای انقلاب پیشنهاد می کند و جلسه ۵۸/۹/۲۴ تصویب مینماید (روزنامه رسمی ۱۰۱۷۰) همچنین طی لایحه دیگری تحت عنوان "لایحه قانونی اجازه استخدام عده ای دبیران آموزش برای تدریس در مدارس کشور" وزارت آموزش و پرورش این اجازه را می یابد که در همان ایامی که سخت مشغول اخراج معلمان مبارز و انقلابی است تعداد ۱۳۰ دبیر ۲۸۰ آموزگار بدون رعایت هیچگونه ضابطه و شرط سنی استخدام کنند! (روزنامه رسمی شماره ۱۰۱۸۵) رجائی این نماینده بورژوازی همچنان به عملیات "انقلابی!!" خود ادامه می دهد و چون با زبا کمبود در آموزشی روبرو می شود، اینبار دیگر بوسیله لایحه ای که بتصویب شورای انقلاب میرساند، اجازه می یابد که در مدت دو ماه هر تعداد که میخواهد بدون

رعایت تشریفات و فقط با مصاحبه (آنچنان مصاحبه ای که وضعیت را از زبان با هنر نقل نمودیم) استخدام نماید. (روزنامه رسمی شماره ۱۰۲۷۶) اما این استخدامها به چه منظوری است؟ پاسخ آن روشن است، بمنظور اخراج هر چه بیشتر آموزگاران و دبیران آگاه و مبارز، دانش آموزان،

معلمین و دبیران بخوبی میدانند که این استخدامها با توجه به ضوابط استخدام و مصاحبه ای که گفته شد، فقط از بین داوطلبانی انجام می پذیرد که مجری سیاست های حزب جمهوری اسلامی باشند، البته لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر نیز با سیاستهای حزب جمهوری اسلامی از جهاتی مخالف اند اما این مخالفت نه از موضعی انقلابی بلکه از موضعی ارتجاعیست، بنی صدر از یکسو می گوید که خود را در بین توده ها، دمکرات منش جا بزند، و آنها را بسوی خود جلب کند و از سوی دیگر با تندرویهای بیش از حد سران حزب جمهوری اسلامی که نتیجه آن روی برگرداندن هر چه سریعتر توده ها را حاکمیت است مخالفت می کند و الا هر دو جناح و نمایندگان آنها در مجلس میدانند که آنچه صلا مور د توجه آنان قرار نداد، مسئله توده ها است، زیرا از نظر آنها آموزش و پرورش باید در خدمت سرمایه داران و سیستمی باشد که هرگز آگاهی دانش آموزان را ارتقاء ندهد، از مبارزات دمکراتیک مردم حمایت نکند و در نهایت در این سیستم به جناح رقیب هم جایی داده شود، این سیاستهای مزورانه در مقابل امواج خروشان آگاهی توده ها روز بروز تحلیل می روند و آنها که این سیاستها را بعنوان پاسکاری ساواکیها و ضد انقلابیون!! میداند، رسوا خواهند شد، مجلس شورای اسلامی نیز چون سایرینها دهای حکومت جمهوری اسلامی ماهیت خود را روز بروز برای توده ها آشکار می سازد.

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دمکراسی نیست

● ممنوعیت فعالیت فدائیان خلق وسایر نیروهای انقلابی ...

بقیه از صفحه ۱

● باشلاق وزندان نمیتوان از انقلابیون اعتراف گرفت

★★★

در محیط کارخانه چیتسازی برای تحریک کارگران به کم کاری و عدم معرفی همکاران خود در محیط کارخانه ویا خارج آن ، به ۵۰ هزار شلاق چیتسازی محکوم میگردد .

مفید صفا قرچیک ۱۷ ساله شغل محصل ساکن وگمشدهم بجرم بخش و نصب اعلامیهها و پوستر های ضد اسلامی و هواداری از سازمان چریک های فدائی خلق و تحم افشاء اسم همکاران خود به ۵۰ هزار شلاق در ملاه عام محکوم میشود .

بهنهر - خبرنگار اطلاعات دانشگاه انقلاب اسلامی بهنهر رای خود را در مورد ۱۱ متهم بشرح زیر اعلام کرد :
شهرام معجونم ، ۲۶ ساله کارگر کارخانه چیتسازی ، ساکن بهنهر بجرم بخش اعلامیهها و نشریات غیر قانونی

اولین باری نیست که هواداران سازمان های انقلابی را بجرم افشاء آگاهیه در میان مردم به شلاق ، زندان ، اخراج از محیط کار و حتی اعدام محکوم می کنند . رژیم جمهوری اسلامی که روز بروز بیشتر با نارضایتی روز افزون توده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای آنان روبرو میشود ، چاره کار را در ایجاد جو اختناق ، جلوگیری از بردن آگاهیه به میان مردم و پراکندن دزدوغ برای پوشانیدن ماهیت ضد انقلابی خود دیده است . غافل از آنکه هیچ حکومتی با فشار روز روز نمیتواند مانع رشد و گسترش تضادهای طبقاتی بشود .

دا دگا ها انقلاب اسلامی بهنهر کارگر ۱۶ ساله را بجرم بخش اعلامیه ، هواداری از سازمان و معرفی نکردن همکاران خود به ۵۰ هزار شلاق و اخراج از کارخانه محکوم نموده است .

یک محصل هفده ساله نیز بجرم بخش و نصب اعلامیه و پوسترو هواداری از سازمان و نیز اوهام بدلیل "عدم افشاء اسم همکاران خود" به پنجاه ضربه شلاق در ملاه عام محکوم شده است .

بیا بیا وریم رژیم دیکتاتور شاه را که چگونه وحشیانه انقلابیون را شکنجه می کرد که بتوانند محل زندگی رفقای دیگرشان را از آنها بگیرند و چه کور دل بود دشمن که با خیال باطل بجان مبارزین جان برکف می افتاد ، و اینان آزموده را دوباره می آزمایند .

ما ضمن محکوم کردن احکام ارتجاعی و ضد مردمی دادگاه انقلاب اسلامی بهنهر ، زهمه نیروهای آگاه و مبارز میخوایم که در جهت افشاء این سیاستهای ضد مردمی بکوشند .

گردد . ممکنست زمامداران کنونی ادعای مبارزه با امپریالیسم راهم داشته باشند اما توده های زحمتکش باید بدانند که آنها با سرکوب خلقهای تحت ستم ، کارگران ، دهقانان و زحمتکشان و فشار آوردن به نیروهای انقلابی در جهت خواست و منافع امپریالیسم عمل می کنند . این اقدامات ضد انقلابی و ضد دمکراتیک هیئت حاکمه هر روز تودمهای بیشتری را به ماهیت واقعی این حکومت یعنی حکومت سرمایه داران و زمینداران واقف خواهد ساخت . توده ها خود در تجربه روزمره خویش به ماهیت سیاستهای هیئت حاکمه پی می برند و به عین درمی یابند که بین حرف و عمل این زمامداران فرسنگها فاصله است . پایه های حکومت کنونی بر توهم و اعتماد نا آگاهانه توده ها استوار است ، این توهم در زندگی واقعی هر روز بیشتر رنگ می بازد و اعتماد نا آگاهانه به بی اعتمادی آگاهانه میدل می گردد .

گسترش اقدامات ضد انقلابی و ضد دمکراتیک هیئت حاکمه که عملار را برای ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داری و زمینداران بزرگ هموار میسازد ، روی برگرداندن تودمها را از حاکمیت کنونی شتاب خواهد بخشید و پیش از آنکه بتوانند مانعی واقع جدی بر سر راه فعالیت نیروهای انقلابی ایجاد کند ، به بحران سیاسی کنونی دامن زده و تشنج موجود را افزایش خواهد داد .

در این شرایط حساس و وحدت عمل نیروهای انقلابی در مقابله با سیاستهای ضد انقلابی و ضد دمکراتیک هیئت حاکمه ، افشاء ماهیت ارتجاعی این سیاستها و توضیح آن برای توده ها ضرورت حیاتی دارد .

نیروهای انقلابی با وحدت عمل خویش ، با تکیه بر توده های زحمتکش و افشاء گسترده ماهیت این سیاستها میتوانند مانعی جدی بر سر راه اجرای این مقاصد ضد انقلابی ایجاد نموده و از دستاوردهای قیام مردم پاسداری کنند .

انقلابی این چنین تحت فشار قرار می گیرند ، نه تنها تشکیل میتینگ ، راهپیمایی و غیره توسط حزب جمهوری اسلامی آزاد است بلکه سازماندهی و تحریک و باشان و چماق داران برای حمله به نیروهای انقلابی و اعضاء امپریالیست ، کتا بفروشی ها و فروشندهگان نشریات انقلابی و غیره نیز بلا مانع است و این اعمال حزب توسط کمیته ها و پاسداران حمایت می گردد .

این مسلم است که اعلام ممنوعیت فعالیت سازمانهای انقلابی توسط دادسرای اسلامی آبادان و خرمشهر و با بل نمیتواند مانع فعالیت سیاسی سازمانهای واقعا انقلابی گردد . اگر این قبیل غیر قانونی کردنها میتوانست جلوی فعالیت سازمان های انقلابی را سد کند قبل از هم روزیم شاه که به همین شیوه ها متوسل میشد می توانست مانع فعالیت سازمانهای انقلابی گردد . همه مردم شاهد بودند و تاریخ ثابت نمود که سیاه ترین دیکتاتوری ها نیز نتوانست سدی در برابر اراده انقلابیون ایجاد کند و مانع فعالیت آنها گردد . تاریخ بارها و بارها ثابت کرده است که هیچ نیروی ارتجاعی نمی تواند مانع فعالیت انقلابیون گردد .

حکومت جمهوری اسلامی با این اقدامات ارتجاعی و ضد دمکراتیک خود تنها در ماندگی خود را در پاسخگویی به نیازهای واقعی توده ها به نمایش میگذارد . هیئت حاکمه که از پاسخگویی به ابتدائی ترین نیازهای توده ها ناتوان بوده ، هر روز بر فقر ، بیکاری ، کرانی و غیره دامن میزند و میخواهد با فشار آوردن به نیروهای انقلابی ، کارگران و زحمتکشان جلوسوی رشد و گسترش مبارزات مردم را سد نماید . تا بلکه پایه های لرزان حکومت خویش را محکم نماید و چند صباحی بیشتر بر قدرت تکیه زند .

زمامداران حکومت جمهوری اسلامی غافلند از اینکه اگر حکومتی برخواست و اراده توده ها متکی نباشد در بیا زود با نیروی توده ها سرنگون خواهد

اعضا و هواداران سازمان پر از حمله و باشان به دفتر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آبادان ، حمایت از او باشان و چماق داران برای حمله به نیرو های انقلابی ، فروشندهگان نشریات سازمانهای انقلابی ، کتا بفروشیها و اجتماعات و غیره ... دستگیری و حتی اعدام انقلابیون از جمله عملکردهای ضد انقلابی این دادسرای از قیام تاکنون بوده است .

دادسرای انقلاب اسلامی با این عمل خویش نه تنها به پایمال کردن دستاوردهای قیام مردم برخاسته است بلکه حتی قانون اساسی را نیز نقض نموده و پیش از آنکه چنین قانونی به تصویب رسیده باشد آنرا با جرادر آورده است .

البته این شیوه جدیدی است که زمامداران کنونی برای عملی کردن مقاصد ضد انقلابی خویش بدان متوسل می شوند . آنها که میدانند تصویب چنین قوانین ضد انقلابی و ضد دمکراتیک ماهیت واقعی آنان را در پیشگاه توده ها بر ملا ساخته ، موجب روی گرداندن هر چه بیشتر توده ها از آنان خواهد شد و اعتراضات مردم و نیروهای انقلابی آنان را با مشکلات بسیاری مواجه خواهد ساخت ، تلاش می نمایند تا توسل به بیانه های مختلف در عمل اهداف ضد انقلابی خود را پیاده کنند . ولی در ظاهر چنین وانمود میسازند که گویا این عمل موقتی است و هنوز بصورت یک قانون رسمی در نیامده است . تا بدین ترتیب هم مقاصد خویش را عملی سازند و هم زمینه را برای تصویب قانون فراهم آورند .

امروز بیش از دوماه مانع از غوراسم بزرگداشت خاطر شهدای ۸ تیر ماه و اعلام عدم صدور مجوز برای تشکیل میتینگ ، راهپیمایی و غیره تا تعیین تکلیف در مجلس می گذرد و در این مدت برگزاری میتینگ ، راهپیمایی و غیره ... از جانب نیروهای انقلابی عملا ممنوع گردیده است . حال آنکه در قانون اساسی ارتجاعی نیز چنین امری تصویب نگردیده است .

درست هنگامیکه نیروهای

استقلال - کار - مسکن - آزادی



زحمتکشان و مسأله‌ای بنام مسکن ۳ مشکل مسکن تنه‌آب‌آب نابودی نظام سرمایه‌داری حل می‌شود

هیئت حاکمه در رابطه با مسأله مسکن نیز همچون سایر خواسته‌های مبرم و ضروری توده‌ها در جوار سیاست‌های عملی خود مقدار زیادی هیاهوی تبلیغاتی و جار و جنجال برپا نداشت. این هیاهو بشکل مشخصی پس از حرکت و بورش توده‌ها و یاد هر زمانه‌ای که دولت احساس میکرد خطر حرکت از جانب توده‌ها و چگرفته شدت میباید. تمامی زحمتکشان تینترهای درشت‌روز نامها را که نویسد میدادند "خانه‌سازی برای مستضعفین - همه صاحب خانه می‌شوند - مسکن خالی مصدوم می‌شود و ...".

را بخاطر دارند ولی بتدریج توده‌های محروم و زحمتکش به تجربه عینی خود دریا فته‌ودر خواهند یافت که وعده‌ها و وعیدهای هیئت حاکمه جز طبل تو خالی و جز سخنانی بچ که برای سرگرم نمودن آنها زده می‌شود چیزی نیست.

در مورد سیاست‌های عملی هیئت حاکمه میتوان چند خط مشخص را دنبال کرد.

اولین حرکت فراخوان آیت‌الله خمینی در فروردین ۵۸ برای کمک همهمه بخصوص آنها که دارند به خانه‌سازی برای "مستضعفین" بود که در ابتدا (درست مانند تمامی حرکت فرمایشی از بالا) با "شور و شوق بسیار" از طرف "قاطبه مردم" پاسخ داده شد، یک روز حقوق، نیروی انسانی مجانی، مصالح ساختمانی و پول اهدا میگشت و این حرکت بخاطر متکی بودن بر لطف و مرحمت و کرامات اغنیا و کسانسی که دارند "درست به سرعتی که از گرفت خاموش شد و ثمر آن سرمایه‌های گشت برای بنیاد مستضعفین که اخرو عاقبت آنهم بشکلی در آمد که خود آیت‌الله خمینی در مورد آن گفت "گویا بنیاد مستکبرین شده" و هنوز که هنوز است هیئت "مامور از سوی امام" مشغول حسابرسی به عملکردهای آنست و بهر حال از این نمذ فقط و فقط برای مستضعفین هیچ کلاهی تهیه نشد! - در بیلان ارائه شده از سوی بنیاد مستضعفان در اول اردیبهشت ۵۹ کل هزینه‌های انجام شده ۳۷۰/۵۹/۱۶/۰۵۰۰/۷۰۰ ریال یا بزبان ساده ۳۷۰ میلیون تومان است که در آن ۹/۵ میلیون تومان هزینه انجام شده در بخش ساختمانی (رقم ۶) و ۷ میلیون تومان مشارکت در خرید ۲۵۹ دستگاه واحد مسکونی و واگذاری به مستضعفان (رقم ۱۰) است یعنی چیزی کمتر از ۶٪ کل هزینه!!

در جوار این هیاهوی بی نتیجه (بی نتیجه لااقل

برای "مستضعفین" دولت به آرامی و گام بگام کار خود را انجام میدهد. مهندس کتیرائی وزیر مسکن و شهرسازی میگوید "آنچه مسلم است این وامها (وامهای مردم که از دوره قیام به تعویق افتاده) باید پرداخت شود ولی شاید ترتیبی بدهیم بدهی‌ها بتدریج گرفته شود" (اطلاعات ۳۰ فروردین ۵۸) و در جوار این "لطف بزرگ" که به زحمتکشان میباید "لطف کوچکی" نیز برای بخش خصوصی منظور میدارد و میگوید "برای احداث خانه‌های ارزان قیمت برنامه‌هایی داریم ولی امیدواریم فعالیت بخش خصوصی در این رشته توسعه یابد و بیش از بخش دولتی باشد. خاصا اینکه تصمیم گرفته شده در نقاط مختلف کشور زمینهای دولتی را به قیمت ارزان در اختیار بخش خصوصی (بخوان سرمایه‌داران) بگذاریم. در موارد دیگر سازمان‌های مسئول بخواهیم تا هر نوع کمک ضروری ... برای آنها فراهم کنیم" (اطلاعات ۳۰ فروردین ۵۸).

در جوار این حرکت "شورای انقلاب" که زمینه را آماده می‌بیند (یعنی می‌بیند همه تسهیلات برای سرمایه‌داران آماده است تا با آ پارتمان سازی سود های کلان به جیب بزنند) دست به حرکتی انقلابی می‌زند و طبق تصویب خود "به صاحبان زمین‌های بایر مهلتی برای احداث و عمران آن داده می‌شود و بعد از آن در مورد تصرف آن اقدام می‌شود این مدت احتمالی یکسال خواهد بود" (اطلاعات ۲۹ اردیبهشت) که البته در مورد این حرکت بی پروای "شورای انقلاب" دو مسأله را باید در نظر داشت یکی اینکه پس از گذشت یکسال هم هیچ حرکتی در جهت این تصرف صورت نگرفت. ثانیاً بر طبق ماده ۳ "قانون لغو مالکیت اراضی موات" شکل تشخیص موات بودن و عمران و آبادی و شرایط واگذاری اراضی مذکور (موات) و تعیین مساحت زمینهای مذکور در هر منطقه و سایر مسائل اجرائی ... بعهد وزارت مسکن و شهرسازی خواهد بود. و این همان وزارتخانه‌های است که نهایت لطف و بزرگی را در حق مالکین و سرمایه‌داران (یا به زبان خودش بخش خصوصی) ابراز میدارد.

در جوار این اعمال "متین و آرام"، حرکات دیگری نیز از سوی افراد و نهادهایی چون کمیته‌ها و حجت الاسلام مروارید بنیاد مسکن و آیت‌الله خسرو شاهی و حجت الاسلام کروبی و ... صورت میگردد.

با بررسی این حرکات در میابیم که در نهایت "حسن نیت" برخی از مجریان آنها بقدری ناچیز و خرد است که در مقابل تنگنای مسکن، بشکل کامل در چهارچوب یک فرم بورژوازی (آنهم یک فرم بسیار کم رنگ) می‌کنجد.

در بررسی این حرکات کافی است توجه داشته باشیم که بر طبق آمار سال ۵۵ مستخرجه از "سرشماری عمومی نفوس و مسکن" در آرای ۹۰۱/۷۱۲/۹۰۶ خانوار موجود در کل کشور ۲۲/۲۳۱/۵ واحد مسکونی در کل کشور موجود است. با توجه به این دو عدد تا حدی عمق بحران روشن می‌شود یعنی با اینکه وجه عمده بحران مسکن در تقسیم نابرابر و توزیع غیر عادلانه آنست در عین حال کلا حدود ۱۲۰۰/۰۰۰ واحد مسکونی نیز کم می‌باشد. و آنوقت می‌خوانیم "حجت الاسلام مروارید در غرب تهران ۳ هزار متر مربع زمین را به قطعات ۱۵۰ تا ۱۸۰ متری بین مستضعفین تقسیم می‌کند (یعنی حدود ۲۰۰ قطعه) (اطلاعات ۳ تیر ماه) و یا "دفتر خانه سازی تاکنون تعدادی از خانه‌های افراد مفسد را مصادره کرده و ۶۰۰ خانوار مستضعف را اسکان داده" (کیهان ۱۷ بان) و یا "دفتر خانه سازی حدود ۱۵۰۰ خانوار را صاحب خانه کرده از طرف دیگر مراجع به رسمیت شناخته نشده حتی کار به اخراج خانواده‌ها کشید" (کیهان ۴ دی ماه) و ... و از سوی دیگر اپورتونیست‌ها این حرکات قاطع و انقلابی در حل مشکل مسکن!! را به پای تسلط کامل خرده بورژوازی می‌نهند که "بورژوازی را بخد مت گرفتار است!!"

توده‌ها بتدریج در مقابل مشکل مسکن و فشار آن از حاکمیت سلب اعتماد نموده شروع به حرکات مستقل و عمل مستقیم می‌کنند. اولین نمونه این مسئله بشکل نپرداختن کرایه‌ها و اقساط وام‌ها بروز می‌کند و حاکمیت را به دست و پایی اندازد. آیت‌الله خسرو شاهی می‌گوید "خانه‌های احتکار شده شناسائی شده به قیمت عادلانه خریداری و به قیمت عادلانه حتی به اقساط به مقتضیان فروخته می‌شود ولی مستأجران باید حتی الامکان در پرداخت مال الاجاره بیسرعت اقدام نمایند (اطلاعات ۸ شهریور) سیاست‌های دولت نه تنها دردی از توده‌ها دوا نمی‌کند بلکه کلا معاملات در رکود فرو می‌رود بخصوص هیچکس تن به اجاره دادن خانه نمی‌دهد.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

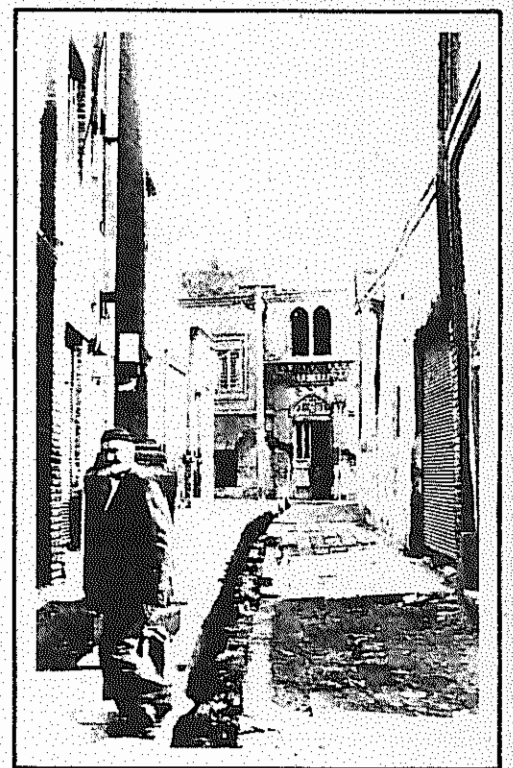
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

بگفته روزنامه‌های دولتی "سقوط کرایه‌خانه‌ها در رابطه با خانه‌های بسیار گران است".

حرکات گام به گام دولت در خدمت به سرمایه داران تا مقطع تسخیر سفارت‌آده میباید. مهندس کتیرائی وزیر مسکن و شهرسازی میگوید "ما به کسانی که تعداد کمی واحد مسکونی در اختیار دارند و قصد سودجویی ندارند (!!) و امید داریم تا این واحدهای مسکونی را تکمیل کنند... آن دست‌آورد شهرک‌سازان که در رژیم گذشته با توجه به افزایش قیمت روز بروز قصد سودجویی داشته اند اکنون که قیمت زمین و خانه و آبارتمان به طرز سرسام آوری سقوط کرده نباید انتظار داشته باشند که ما جبران ضرر آنهارا بکنیم!!" (کیهان ۲۲ مهر). و با نگرانی اعلام کرد "بسه سازندگان مجتمعهای مسکونی بیش از ۴۰ واحد و کمتر از ۵۰۰ واحد از محل ۲۵ میلیارد اعتبار بانک ملی وام میدهد" (کیهان ۲۵ مهر).

در جوار این سیاستهای بورژوازی دولت برای افزودن قدرت خرید و در نتیجه ایجاد بازار مصرف برای مسکن به پرداخت وام مسکن دست میزنند.



بمجرد اتخاذ این سیاست قیمت خانه‌ها بشدت سیر صعودی می‌یابد. در این مورد باید در نظر داشت که خرید خانه با وام مسکن احتیاج به یک مبلغ حداقل پس انداز دارد که از حیطه قدرت اکثریت قریب به اتفاق کارگران و زحمتکشان خارج است و در عین حال دولت در ازای تسهیلات فراوان برای سرمایه‌داران در این یک مورد سخت‌گیری زیادی نیز انجام میدهد و مثلاً "کارمندانی که قصد دارند صاحب خانه شوند باید حداقل مدت سه سال در بانک نگرانی پس انداز کنند تا بتوانند قسمتی از پیش‌قسط خانه مورد نظر را تأمین کنند... بدیهی است که به این نوع پس انداز بهره‌تعلق نخواهد گرفت" (کیهان ۲۵ مهر).

در مقابل سیاستهای اتخاذ شده از سوی هیئت حاکمه که به هیچ‌روی پاسخگوی خواسته‌های توده‌ها نیست، حرکات مستقل توده‌ها شکل وسیعتری بخود میگیرد. تلاشهای بنیاد مسکن و بنیاد مستضعفان و آیت‌الله خسر و شاهی... نیز برای انداختن این حرکات به کانهال‌های "قانونی" نتیجه‌ای نمی‌دهد. هتلهای از سوی دانشجویان تسخیر می‌شود و در پی آن موج تسخیر خانه‌های خالی و آبارتمانها از سوی توده

هار و به فزونی می‌رود. پاسخ هیئت حاکمه به این حرکات چیزی جز تهدید و محکوم کردن آنها نیست. گه‌آین عمل در برخی مواقع تا حد تیراندازی (البته هوایی!) هم به پیش می‌رود.

مساله "عجیب" اینست که سیاست‌های گام به گام دولت در حمایت از سرمایه‌داران و شیوه برخورد بورژوازی به مساله مسکن پس از تسخیر سفارت‌آده میباید "مقطع تسخیر سفارت‌آده و در نظر گرفته شده که گویا "کمیته مرکزی" معتقد است این عمل نقطه عطفی در تسلط خرده بورژوازی در حاکمیت است.

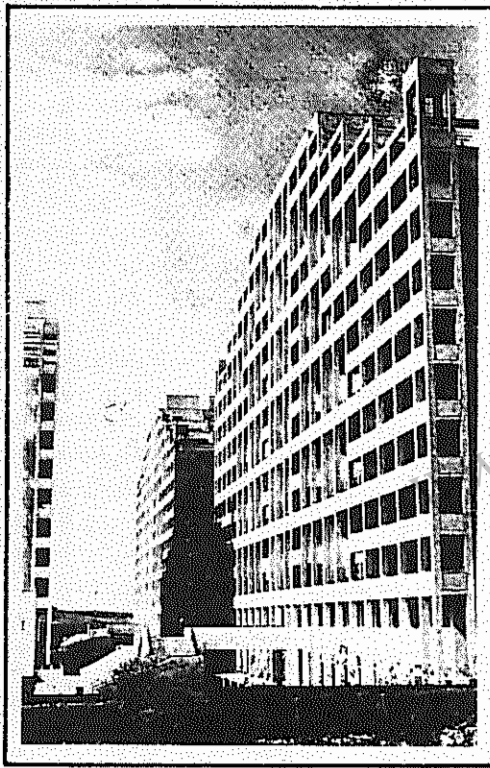
مهندس کتیرائی در ۱۵ آبان میگوید "دولت از این پس در واحدهای مسکونی کمتر دخالت خواهد کرد و فقط بخش خصوصی را برای ایجاد واحدهای مسکونی بیشتر تشویق می‌کند" (کیهان ۱۵ آبان) و از سوی دیگر اعلام می‌شود یکی از شرایط واگذاری زمین و واحد مسکونی به متقاضیان از سوی بنیاد نامین مسکن حداقل اقامت ۱۰ ساله در پی در محل تقاضا است و متقاضی باید امکان شروع کار ساختمان در عرض سه ماه و حداکثر تا یکسال را داشته باشد. (کیهان ۲۰ آبان) (بله در شرایطی که دولت در اوج "مبارزات ضد امپریالیستی" خود قرار دارد، با ایجاد حداکثر تسهیلات برای بخش خصوصی (بخوان سرمایه داران) زمین را فقط به کسانی میدهد که امکان شروع کار ساختمان در سه ماه و پایان آن در یکسال را داشته باشند و مشخص است که این گروه هرکسی باشند، از کارگران و زحمتکشان حتی در صد تا چیزی را نیز در بر نمی‌گیرد.

در ۶ آذر وزارت مسکن و شهرسازی و در ۲۲ آذر شهرداری تهران به متقاضیان و منتظران اراضی شهری اختارهای شدید و تهدید به محاکمه می‌کنند. (حتماً این کارها برای مبارزه ضد امپریالیستی ضرر دارد) ولی در همین حال توده‌ها به اقدامات مستقل خویش دست می‌زنند و مسکن اختار شد توسط سرمایه داران و چپا و لگران را مصادره نقلایی می‌کنند. در ۱۸ آذر ۸۰ خانوار فرهنگی یک خانه نوساز در سید خندان را تصرف کردند (کیهان ۲۰ آذر) و کلاً ساختن خانه‌های "غیر مجاز" بخصوص در زمینهای وقفی و مجهول‌المالک "اوج می‌گیرد (کیهان)

تحت فشار و واگیری مبارزات توده‌ها، حاکمیت تن به عقب نشینی میدهد. ولی در موضع عقب نشینی نیز دقیقاً جوهر بورژوازی در تمامی سیاستهای حاکم است. شورای انقلاب در ۱۶ دی ماه (کیهان) طرحی تصویب میکند که مطابق آن بنیاد مسکن (مجری طرح) مأمور خرید خانه‌های ارزان و متوسط قیمت و اشغال خانه‌های بی صاحب (!!) در اختیار گرفتن و تضمین تخلیه و پرداخت اجاره بهیچ‌آدا و طلب کمک مالکین دو اطلب با تضمین خرید مجتمع‌ها با سود معقول و دادن زمین مجانی و همه نوع کمک به آنها... میباید. بنیاد پس از پرداخت بدهی خانه‌ها بقیه‌ها به التفاوت قیمت را تا ۱ میلیون تومان نقد و بقیه‌ها ترا اوراق قرضه می‌پردازد که در صورت تمایل مالک به ادامه فعالیت اوراق قرضه نیز قابل نقد شدن است". (دقت کنید این مصوبه شورای انقلاب "دراوج" مبارزات ضد امپریالیستی "و برای کمک به "مستضعفین" است). از سوی دیگر شهرداری‌ها در شنید با دفتر خانه‌سازی و حجت الاسلام کروی حمله میکنند که "علیرغم فرمان امام و شورای انقلاب زمینها را غصب و قطعه قطعه کرده و به مستضعفین فروخته است!!" (کیهان ۲۳ دی ماه) و در ۲۵ دی ماه دفتر خانه‌سازی توسط ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی منحل و عیبا سدار آن خلع سلاح شده و حجت کروی تحت تعقیب قرار می‌گیرد (کیهان ۲۵ دی ماه) و مسلماً اینها کارهای

خرده بورژوازی است که بورژوازی را در خدمت گرفته!! در همین حین دولت گامی "در جهت منافع مستضعفین" بر میدارد و کرایه‌خانه‌ها را ۲۰٪ کم میکند ولی جالب اینجاست که برای آنکه دل صاحبان خانه‌ها نشکند اجاره‌ها تا ۳۰۰ تومان از مالیات معاف می‌شود. (قبلاً معافیت تا ۵۰۰ تومان بود) (کیهان ۱۶ اسفند).

و این رشته سرد را دارد. آخرین حیلۀ دولت جهت فریب توده‌ها و مهار نمودن مبارزات آنان سرو صدا بپا نمودن حول مصادره خانه‌های خالی بود. در ۲ اسفند (کیهان) نماینده تام الاختیار امام در رابطه با مسکن، حاج عباس شوری، اعلام کرد. "تا یک هفته دیگر تمام خانه‌های خالی اشغال می‌شود" و این مساله تا مدتی همچنان در بوق و کرنا دیده می‌شد. "۴ هزار خانه خالی توسط گروه ضربت شناسائی شد" (کیهان ۱۰ اسفند) "حاج عباس شوری گفت ۴ هزار خانه خالی دوشنبه تصویب می‌شود" (کیهان ۱۱ اسفند) سرپرست دفتر طرح خرید و واگذاری خانه‌های خالی دکتر مصطفی رفیعی مع کفایت



"صاحبان خانه‌های خالی فقط ۴۸ ساعت مهلت دارند" (کیهان ۱۱ اسفند) ولی پس از سر رسید مهلت مالکان میخوانیم: "صداها خانه خالی تصرف شد و این عمل در مورد ۵ هزار خانه شناسائی شده انجام می‌شود" (کیهان ۱۳ اسفند).

شاهدیم که پس از این مدت کوچکترین حرکتی در مورد ۵ هزار خانه بقیه‌ها انجام نشده ولی در عوض "سرپرست دفتر خرید و واگذاری... در ۱۸ اسفند اعلام کرد "تصرف خانه‌های خالی بدون حکم مأموریت غیر قانونی است" و این در جواب توده‌های محروم و زحمتکشی بود که تصور کرده بودند وعده‌های دولت حقیقت دارد و باید خانه‌های خالی را تصرف نمود.

خلاصه کنیم:

۱- مشکل مسکن بعنوان بحرانی که از ساخت سرمایه‌داری وابسته برمیخیزد در شکل نهایی خود و به نفع توده‌ها فقط با نابودی این ساخت میتواند حل شود ولی این مسئله به آن معنی نیست که نمای سیاست‌هایی که یک دولت غیر پرولتری در این مورد اتخاذ کند

نقشه در صفحه ۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

زحمتکشان و مساله ای بنام مسکن

مشکل مسکن تنها با نابودی نظام...

بقیه از صفحه ۷

کمکهای مالی دریافت شده!

الف	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	گ	ل	م	ن
۵۵۵۵	۶۲۱۱	۵۸۵۸	۲۰۵۵	۱۱۴۴	۱۴۴۴	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰
۲۰۵۵	۱۱۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴
۱۵۱۲	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۱۴۴۴
۵۰۰۱	۲۳۲۱	۱۱۱۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱	۲۳۲۱
۳۷۱۵	۱۰۲۵	۸۵۸۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۰۲۵
۳۰۰۰	۹۹۹۹	۷۲۳۴	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹
۱۱۲۵	۱۲۱۷	۴۵۰۰	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
۵۶۰	۲۱۰۰	۷۲۳۴	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰
۶۰۰۴	۱۰۲۵۷	۴۵۰۰	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷	۱۰۲۵۷
۱۵۴۰	۶۵۶۵	۵۶۲۳	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵	۶۵۶۵
۲۲۹۸	۸۶۲۳	۵۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳	۸۶۲۳
۵۰۱۳	۱۰۱۲۰	۷۵۷۵	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰	۱۰۱۲۰
۱۲۰۰۰	۱۰۲۱	۱۹۲۶	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱	۱۰۲۱
۵۰۵۶	۴۰۲۵	۲۵۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵	۴۰۲۵
۱۰۷۷۴	۹۹۹۹	۵۰۱۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹	۹۹۹۹
۹۰۵	۳۱۲۳	۱۰۰۲۵	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳	۳۱۲۳
۱۲۴۴	۸۰۸۰	۱۵۵۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰	۸۰۸۰
۱۰۵۵	۳۰۱۳	۱۴۹۹	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳	۳۰۱۳
۲۳۱۹	۵۴۳۲	۵۴۴۴	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲	۵۴۳۲
۶۴۰	۶۱۰۵	۷۰۱۰	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵	۶۱۰۵
۲۲۲۲	۵۵۵	۲۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵	۵۵۵

است (واجاره‌ها با اید سرعت پرداخت شود ... توجه کنید) در عین حال ، همانطور که متذکر شدیم این حرکات کلا "در چهارچوب یک حرکت رفرمیستی بورژوازی می‌گنجد . در این مورد باید توجه کرد دولت با اتکا به توهم توها و قدرت سرکوب خود بهیچوجه تن به انجام حتی رفرم در مورد مساله مسکن نداد است و این حرکات بسیار ناچیز در مقابل سطح مبارزاتی توده‌ها در حد رفرمی های ناچیز بورژوازیست .

۷- و بهر صورت عینی ترین ملاک واقعیت موجود است . توده‌ها در زیر فشار بحران مسکن هر روز کمر خم می‌کنند و هیچگونه تغییری در این مورد برای کارگران و زحمتکشان حاصل نگشته است و و این خود بهترین ملاک است که روشن می‌کند سیاست بورژوازی هیئت حاکمه در رابطه با مسکن ، با سیاست اعمال شده از سوی رژیم گذشته تفاوت کیفی نداشته بهیچروی پاسخگوی منافع و خواسته‌های توده‌ها نیست .

"شهر حلب از دور مانند تل بزرگی از اشغال و کلوخ دیده می‌شود . توده‌سایه‌ها که بر روی هم انباشته شده ، جلوتر که می‌روی کم کم مشخص می‌شود که در این جا انسانهایی زندگی می‌کنند . آب این مردم به وسیله یک جوی که از کنار مجله میگذرد تامین می‌شود ..."

زن زحمتکشی که ساکن در دشت است میگفت والا برای ما هیچ کاری که نکردند هیچ حالا دارند خانه‌های ما را هم خراب می‌کنند . این کمیته اینجاریوزی نیست که ۲ تا سه خان را خراب نکند . ما هم از بی خانگی مجبوریم برویم خانه‌های خاک سفید را بگیریم . و - ادا میداد " من بخاطر خمینی تو همه تظاهرات بودم شوهرم که قبلا ما را گذاشت و رفت یک دونه بچه دوازده ساله ام را نیی - زدر ۱۷ شهریور از دست دادم و حالا وضع من همونه ...

دارای یک نتیجه و یک مضمون میباشند و چنین سیاست هایی نمی‌توانند در جهت تعدیل این مشکل کام بردارند .

۲- راه حل مشخص مساله مسکن در دو وجه تولید و توزیع عادلانه مسکن قابل بررسی است که تولید مسکن در مقیاس وسیع و توزیع عادلانه شکل یک برخورد انقلابی در شهرها را تشکیل میدهد و هیچیک از این دو راه حل بدون اتکا به نیروی لایزال توده‌ها و بدون عمل انقلابی بسیج توده‌ها میسر نیست .

۳- سیاست‌های اعمال شده توسط هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در برخورد با مساله مسکن ما هیتا بورژوازی بوده و تفاوتی کیفی با سیاستهای رژیم پهلوی نداشته است . این سیاست‌ها را در نهایت میتوان بشکل رفرم بسیار کم رنگی از سوی بورژوازی تلقی نمود .

۴- سیاستهای برنامه ریزی شده و دنباله دار جمهوری اسلامی عمدتاً بر محور تولید مسکن دور میزند که در این مسیر محور عمل حفظ منافع سرمایه‌داران (بخش خصوصی) می‌باشد و در این رابطه تمامی تسهیلات و امکانات از زمین و وام و اعتبار گرفته تا راحت صادر نمودن نقشه ... در اختیار آنها قرار گرفته و هر کجا که گوشه چشمی به توده‌هاست فقط در رابطه با افزایش بازار مصرف می‌باشد که در این مورد وام‌ها و اعتبارات با نکما معنی می‌یابد .

۵- در سیاستهای بخش ۴ در هر کجا روی سخن با توده‌هاست (به دلایل ذکر شده) عمدتاً مسائل حول بخش بالای خرد بورژوازی می‌گردد و بس (به مساله شرایط پرداخت وام و لزوم وجود پس انداز حداقل و ... توجه کنید) و در این رابطه کارگران و زحمتکشان همواره بی بهره‌اند .

۶- در جوار این سیاست محوری حرکاتی نیز از سوی نهادهایی چون بنیاد مستضعفین و دفتر خانه سازی و ... صورت میگیرد که عمدتاً از سوی عناصر خرد بورژوازی جهت داده می‌شود . در مورد تحلیل این حرکات باید به نکاتی چند توجه کرد :

اولاً " این حرکات بهیچروی وجه غالب سیاستهای دولت در مورد مسکن را تشکیل نمیدهد و همواره تحت کنترل سیاست برنامه ریزی شده محوری می‌باشد . در این مورد باید توجه کرد که مثلاً " دولت با پرداخت ۲ میلیارد تومان اعتبار در خواستی آیت‌الله خسرو شاهی که برای اجرای طرح انقلابی مسکن درخواست کرده بود مخالفت کرد " (کیهان ۲۳ مهر) و یا بهم زدن کاسه و کوزه دفتر خانه سازی و تعقیب شیخ کروبی و پس گرفتن زمینهای تقسیمی و ... همگی این مساله را بعیان اثبات می‌نماید .

ثانیاً : این حرکات در مقابل مشکل مسکن موجود بسیار ناچیز و نامحسوس است (بما مارا ائه شده مراجعه کنید) .

ثالثاً : هیئت حاکمه با سودجویی از این حرکات به تحمیل توده‌ها می‌پردازد و در هر مقطع در مقابل اوگیری مبارزات توده‌ها مبارزات آنها را به کمال انحرافی هدایت نموده سرکوب می‌نماید . (به گفته آقای خسرو شاهی و کروبی در مورد اینکه هرگونه تصرف غیر قانونی محکوم است (کروبی در عمل موافق) صرف غیر قانونی بود که نمونه‌های مشخص آن موجود

دولت شیره‌های آب را بروی مردم خاك سفید می بندد!!

نمایندگان قلابی خاك سفید میگویند: " لازم نیست مردم ما را انتخاب کرده باشند زیرا ما را دولت به نمایندگی مردم انتخاب کرده است! " این نمایندگان منتخب دولت جمهوری اسلامی آب آنا میدنسی را نیز از مردم زحمتکش خاک سفید دریغ میکنند آنها شیره‌های آب را فقط هفته‌ای یکبار ، آنها یکا معنه روی مردم زحمتکش بازمیکنند .

همی پرسیم: آب که حباتی ترین ماده زندگی بشری است ، چرا باید اهالی زحمتکش خاک سفید از آن محروم باشند؟

آیا این سلب حق حیات از اهالی خاک سفید وسیله دولت جمهوری اسلامی نیست؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "حوزه کارمطلبی"

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است، باید پرداخت گردد



تصویب لایحه...

بقیه از صفحه ۱

مصوب ۲۲/۴/۵۹ کمیسیون شماره ۲ شورای انقلاب را که متن آن در شماره ۳۱۲ روزنامه انقلاب اسلامی آمده است مورد بررسی قرار میدهم. مبارزات اعتدال یا بنده کارگران و دیگر زحمتکشان میهنمان از قیام تاکنون مسئله تصفیه عناصر خائن وابسته به رژیم پیشین را بعنوان یکی از خواستههای مهم دنبال میکرد. دوجناح قدرتمند کمیت یعنی لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی با دوسیا ستخانها متفاوت با این امر برخورد میکردند لیبرالها از همان ابتدا با تصفیه عناصر سرسپرده مخالفت میکردند. حزب جمهوری اسلامی که قدرتش تنها متکی به توهم تودهها میباشد، با امری که موافق بود اما در عمل حزب تا آن حد تصفیه این عناصر موافقت داشت که به سیستم و مناسبات سرمایه داری ضربه جدی وارد نیاید، یعنی تنها در حد حرفهای محدود بورژوازی آنچه که وجه مشترک سیاست غالب و در نهایت ماهیت ضد انقلابی جناح را بخوبی نشان میداد، وحدت آنها در حفظ مناسبات سرمایه داری و جلوگیری از تعرض به سیستم بود. بدین لحاظ هر دو جناح بر روی پاکسازی کارکنان مبارز و مترقی همواره وحدت داشته اند اما تودهها که خواستار پاکسازی عناصر سرسپرده بودند، پس از مدتتها صبر انقلابی را که هیچ نتیجه ای عاید آنها نساخت، هر جا که توانستند از طریق تشکلهایشان چگونگی شوراها و واقعی، خود را سببه تصفیه این عناصر برداختند. در مقابل این حرکت تودهها که کمیت ایستادگی کرده و با تمام قوا کوشید از حرکت وایتکا رتودهها

از یائین "جلوگیری نماید، بر چنین زمینه ای و در رابطه با حاد شدن تضادهای درونی حاکمیت بود که حزب جمهوری اسلامی پرچمدار پاکسازی را گردید. اکنون حزب میکوشد پاکسازی را منطبق بر منافع سرمایه داران به پیش برد. "لایحه قانونی پاکسازی... خودگویا ترین بیان این امر است آنجا که میگوید: "هیئت پاکسازی (مرکز از پنج نفر از افراد ذیصلاح از نماینده استانداری - نماینده دادستانی انقلاب - مدیریت کارگاه و یک نفر منتخب کارکنان واحد مربوطه و نماینده وزیر کار و امور اجتماعی...". نفراعضای هیئت، چهار نفره آن مستقیم یا غیر مستقیم مدافع منافع سرمایه داران میباشد و تنها یک نفر نماینده کارکنان (آنهم با چه شرایطی؟! است. این هیئت پاکسازی با چنین ترکیبی تنها سیاستهای سرمایه داری را به پیش برده و همواره در مقابل منافع کارکنان قرار گرفته و خواهی گرفت. وزارت کار برای این که جلوی عمل وایتکار تودهها را گرفته و مانع بخطر افتادن منافع سرمایه داران شود، بدنبال تصویب این قانون بوسیله شورای انقلاب اطلاعیه ای صادر کرد که در آن گفته می شود: "قبل از تشکیل و شروع یکا را این کمیته ها در سطح کارخانجات و مراکز صنعتی و خدماتی کشاورزی برادران خواهان را سبب هیچگونه عکس العمل یا اقدامی که باعث اختلال در نظم شده و مانع خواست و رضایت ضد انقلاب را باعث گردد از خود نشان ندهند." در حقیقت وزیر کار (بخوان وزیر سرمایه) اقدام مستقل تودهها را

ضد انقلابی میدانند و معتقد است که این حرکات اختلال در نظم (نظم مطلوب سرمایه داری) بوجود می آورد. وی که میخواهد بنحوا حسن نظم سرمایه داران را حفظ کند حق دارد، چرا که بورژوازی همواره سعی میکند مانع "عمل مستقیم" تودهها شود، چرا که در آن تعرض به سرمایه و نظم سرمایه داری یعنی مرگ سرمایه داران را بخوبی تشخیص میدهد، (نقل بمعنی از سندیکای طبقاتی لندن) شورای انقلاب که در دفاع از منافع سرمایه داران بسیار ریگیز بوده در این لایحه نیز این امر را با صراحت تمام به اثبات میرساند و میگوید: "هیئت پاکسازی جهت پاکسازی (عناصر وابسته به رژیم گذشته) ویا (آن عده از کارکنان که) باعث تطل و کم کاری در تولید شوند طبق دستورالعمل پیوست لایحه اقدام نمایند. بلی مشاهده میکنیم که کمیته های پاکسازی از آنجا که موظفند سیاستهای ضد کارگری را به پیش برند باید کسانی را که باعث اختلال در تولید یعنی کاهش سود میشوند، مورد پاکسازی قرار دهند. بعبارت دیگر عناصر سرسپرده و افراد کم کار و کسانی که در تولید اختلال میکنند، بایستی تصفیه شوند حال بایست رسیدن هیئت پنج نفره ای که حداقل چهار نفر آنها عوامل "سرمایه هستند در تصفیه عناصر وابسته به رژیم پیش (که خود از عاملین سرمایه بزرگ بوده اند) جدی تر خواهند بود یا در تصفیه کارکنان آگاه و مبارز (بجرم کم کاری، تعلل و اختلال) که در راه نابودی استثمار میکوشند؛ واقعیات بخوبی صحت گفته های فوق را نشان میدهد. در مقطع دو ماهه اخیر پس از تعرض حزب جمهوری اسلامی و حدت یافتن تضادهای دو جناح، یورش سرکوبگران به خلق کردیا فعال شدن کمیته ها و هیئتهای پاکسازی در سطح واحدهای تولیدی، خدماتی و...

مواجهه یوده ایم، هر کارگر آگاه و زحمتکش مبارزی مشاهده کرده است که در این دو ماه "کمیته پاکسازی" و "انجمن اسلامی" که عمدتاً از زوایاد حزب جمهوری اسلامی هستند، عمدتاً در خط "مدیریت و در کنار آن در مقابل منافع زحمتکشان ایستاده و عمل کرده اند. بهمین جهت اکنون در غالب واحدها کمیته های پاکسازی که در ابتدا کم و بیش مورد حمایت کارکنان انقلابی قرار داشتند، بعلاوه سیاستهای ضد انقلابی حاکم بر آنها، حمایت توده های خویش را تا حد زیادی از دست داده اند تنها کسانی که چشمی برای دیدن و مغزی برای فکر کردن ندارند، منکر این واقعیات میشوند. از همین رو شورای انقلاب که خود بخوبی میدانند سیاست هیئت پاکسازی که او در "لایحه قانونی" از آن نام میبرد عمدتاً متوجه کارکنان انقلابی است در تبصره (همان مسأله میگوید: "آنها صافه از هیئت های پاکسازی پیش بینی شده در این ماده واحد قطعی و لازم الاجرا بودن و دادخواست این عده از کارگران قابل طرح و رسیدگی در مراجع حل اختلاف پیش بینی شده در قانون کار نمیشود". بعبارتی عناصر سرسپرده که هیچگونه ادعایی نمیتوانند داشته باشند، طرح دادخواست آنها در مراجع حل اختلاف اصولاً موردی ندارد اما در مورد زحمتکشان که عمدتاً بدلیل آگاه و مبارز بودن مورد پاکسازی قرار میگیرند، شورای انقلاب خواسته که از پیگیری آنان حتی در مراجعی که خود قانون کار سرمایه داری "پیش بینی کرده جلوگیری نماید. شورای انقلاب که خواسته در متن این قانون کوچکترین حقی از سرمایه داران نگردد حتی در مورد نماینده منتخب کارکنان نیز شرایطی را ذکر کرده تا حتی المقدور از انتخاب نماینده واقعی کارکنان هر واحد جلوگیری نماید

از جمله اینکه نماینده منتخب باید "مسلمان باشد". بورژوازی همواره میکوشد از طریق تقسیم بندیهای دروغین و غیر واقعی چون مذهبی، غیر مذهبی این اقلیت مذهبی یا آن یکی و... تقسیم حقیقی جامعه را به طبقات اپوزداتی کرده و از این راه در بین توده ها تفرقه و چنددستگی ایجاد نماید. هدف از این بند، جدا کردن انقلابیون کمونیست یعنی مبارزترین و پیگیرترین مداخلین منافع تاریخی توده ها از آنها میباشد. یا در جای دیگر در مورد شرایط اعضای میخوانیم: "نماینده منتخب کارکنان واحد مربوطه باید حداقل سه سال سابقه کار در همان سال سابقه کار در همان کارگاه را داشته و قبلاً یا در حال حاضر عضو سندیکا یا شورای کارکنان نباشد." در مورد اینکه نماینده باید حداقل سه سال سابقه کار داشته باشد، عمدتاً در هدف لایحه قانونی کوشش در جهت ایجاد مانع برای انتخاب افراد مترقی و مبارز به نمایندگی می باشد (در این مورد در مقاله شوراها در "کار" ۷۱ مفصلتر توضیح داده شده است). اما چرا نماینده منتخب نباید عضو شورا یا سندیکا باشد؟ هدف شورای انقلاب از گجاندن این بند در لایحه قانونی اینست که مانع دخالت توده ها در امر پاکسازی گردد. چرا که اگر "نمایندگان شورا یا سندیکا به عنوان نماینده هیئت پاکسازی انتخاب شدند، مسئله پاکسازی از طریق آنها در تشکلهای توده ها و از آنجا میان توده ها خواهد رفت. چیزی که هیچگاه مورد نظر سرمایه داران نیست. همچنانکه دیدیم در سراسر لایحه قانونی مربوط به پاکسازی، مصوبه شورای انقلاب حداکثر کوشش بکار رفته تا توده ها را از "عمل مستقیم" و از دخالت در امر پاکسازی بدور نگاه دارند، و این امر را به هیئتی بسپارند که غالباً آنان از عوامل "سرمایه" بوده و سیاستهای بورژوازی را پیش

تعطیل دوروز در هفته تأمین کننده رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

حمله به خوابگاههای دانشجویان را محکوم می کنیم

تصویب لایحه...
بقیه از صفحه ۹

میرند، بدین طریق ای هیئت یا کمیته پاکسازی تصور که تا کنون دیدگاه با اخراج، باز خرید با زنجیره کردن و انفعال چند عنصر سرسیر (رفر بورژوازی) با ایجاد خفقان نوک حمله شان متوجه انقلابیون و کارکن مترقی کرده و از اینرا به سرکوب مبارزات آن میگرداند. و این درحالیست که کارگران، کارمندان دانشجویان، معلمان درجه داران و همافران و افسران جزء همچنان خواهان افشای سواک و فدا طلایع آنها و دیگر عناصر سرسیر (چیزی که در سراسر لایحه از آن نام نیست) بوده و به مبارزات شان در راه خواستهای انقلابی و برحق خود ادامه میدهند.

پرولتاریا نباید امکان دهد که ارباب و سواک رفرمیسم بورژوازی بسنه بگذازند، کارگران و دیگر زحمتکشان خود تجربه کرده اند که تنها انتخاب نمایندگانی واقعی شورا و سیردن تصفیه کمیته ای زینظارت شورا قادر به پاکسازی انقلابی خواهند بود. از اینرو آنها هموار در مقابل اخراج کارکنان مبارز و انقلابی ایستادگی کرده و با مستحکم کردن صفوفشان در شوراها و واقعی همچنان در جهت منافع انقلاب یعنی پاکسازی تمامی عناصر سرسیرده گام برخواهند داشت. آنها در این مقطع که هر روز با فشار شدیدتری از جانب بورژوازی برای بازگرفتن دستاوردهای قیام روبرو هستند، در پیوند با پیشروان هر چه بیشتر به ضرورت تشکیل و آگاه پی خواهند بود. تار و پود پیروزی کارگران و دیگر زحمتکشان متحد آگاه را رقم زده است.

است، از این روهمواره مترصد بود که بنحوی این دستاورد مبارزاتی را از چنگ آنان خارج سازد.

پس از غائله "انقلاب فرهنگی" و سرکوب خونین مقاومت دانشجویان که مبین دشمنی آشکار رژیم با تشکلهای انقلابی است، طبیعی بود که خوابگاهها قدم بعدی باشد.

تصرف خوابگاهها هم هدف رژیم در دفاع از منافع سرمایه داران جامعه عمل می پوشانید و هم امکان تشکیل راز دانشجویان سلب میکرد. بنا بر این میبایست دست به کار یورش شد و آشکار است که توجیهاتی نظیر تصرف عدوانی و مسئله کمبود مسکن و غیره در فی جز فریب نوده ها ندارد، چه رژیمی که پس از یکسال و اندی از موجودیتش هنوز قادر نیست آزاری حتی سرانگشتی از وضعیت مسکن مردم ارائه دهد، چطور است که میخواهد با تصرف چند دستگاه ساختمان به حل کمبود مسکن یاری رساند؟ مگر این ساختمانها مشکل اسکان دانشجویان را (بعنوان بخشی از مشکل مسکن عمومی) تا حدود زیادی مرتفع نساخته بود، پس چرا باید از آنان باز پس گرفته شود؟ آیا جز اینکه رژیم میخواهد به صاحبان نشان یعنی، سرمایه داران وابسته پس دهد؟

تصرف این خوابگاهها از جانب رژیم هم اکنون سبب شده است که تعداد زیادی از دانشجویان با خواهییدن در خیابانها مسئله اسکان خود را حل کنند، بدین استرژیمی که برای زیبایی خیابانها و کوچه ها اهمیت بیشتری قائل است تا کسب و کار هزاران هزار زحمتکش دستفروشی و دهکده دار، این چنین راه حل مسکن را نیز تا مل نخواهد کرد.

خواست دانشجویان برای حفظ خوابگاههای خود خواستی است برحق نظیر خواست تمام مردمی که با مشکل مسکن دست بگریانند و تاکنون رژیم "صد امپریالیست" و "انقلابی"!! جمهوری اسلامی قدمی در جهت رفع آن برداشته است.

دوستش جواب داد، هیچی می شن مثل ما کنار خیابون و نو پارک و مسافر خانه می خوابند."

آرژیریم جمهوری اسلامی پورش به خوابگاههای دانشجویی را آغاز کرده است. این اقدام ابتدا از تهدید شفاهی و اخطار کتبی شروع و اکنون به حمله علنی با کمک پاسداران و کمیته چپی ها بدل شده است تصرف غیر قانونی، کمبود مسکن توجیهاتی است که رژیم برای این حرکت خود بدان متوسل میشود ولی پوشیده نیست که این عمل از همان انگیزه های بر خاسته است که تعطیل تحصیلی دانشگاهها را آوار آورد.

در رژیم شاهبی توجیهی به مسائل دانشجویان محسور و ماهیت تمام سیاستهای وزارت علوم را تشکیل میداد و مشکل اسکان دانشجویان بعنوان یکی از مهمترین این مسائل، طبعاً از این بی اعتنائی برکنار نمی ماند. پس از سرنگونی رژیم شاه، دانشجویان نیز مانند تمام توده های مردم خواستار دگرگونی در کل شرایط زندگی و تحصیل و بالمال وضعیت مسکن خود شدند. ولی مراجعات مکرر آنان به مقامات "انقلابی" حاصلی نداشت جز همان بی اعتنائی گذشته منتها این بار با شیوه ای نوین مراجعه کنندگان به "صبر انقلابی" دعوت میشدند دانشجویان که از مراجعه به این مقامات خیری ندیدند، اینبار خود مستقیماً دست بعمل زده و با مصادره انقلابی تعدادی از ساختمانهای متعلق به فراریان و سرمایه داران وابسته، هم تا حدودی موفق به رفع مشکل مسکن خود شدند و هم در واقع طریقه انقلابی را به مقامات هیئت حاکمه خاطر نشان ساختند.

رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود نمی توانست با این اقدام دانشجویان موافقت داشته باشد چرا که این اقدام میتواند بصورت سر مشقی برای توده ها در آمدن آنها را به انجام حرکاتی از این دست برانگیزاند. رژیمی که حمایت از منافع سرمایه داران را پیشه کرده است طبعاً با این اقدامات بیگانه و از گسترش آن بشدت ترسان

ها به ما اعتراض کردن، ولی پاسدارها می گفتند بریزین بیرون، در درسندم، شروع کردیم و هر چه اسباب و خرت و پرت داشتن ریختیم بیرون، لحاف و ظرف و کتاب بود که می رفت روهوا، سه چهار ساعتی طول کشید تا همه ساختمان را خالی کردیم، نمیدونی جلوی ساختمان چه تماشا می بود. بعدشم که کارمان تمام شد به هر نفرمون ۷۰ تومان دستمزد دادند و مرخصمان کردند. اینم از کار امروز ما. وقتی حرفهای این کارگر را می شنیدم که چگونه از روی نا گزیری و نا آگاهی در خدمت سرمایه داران قرار می گیرند، هر چه

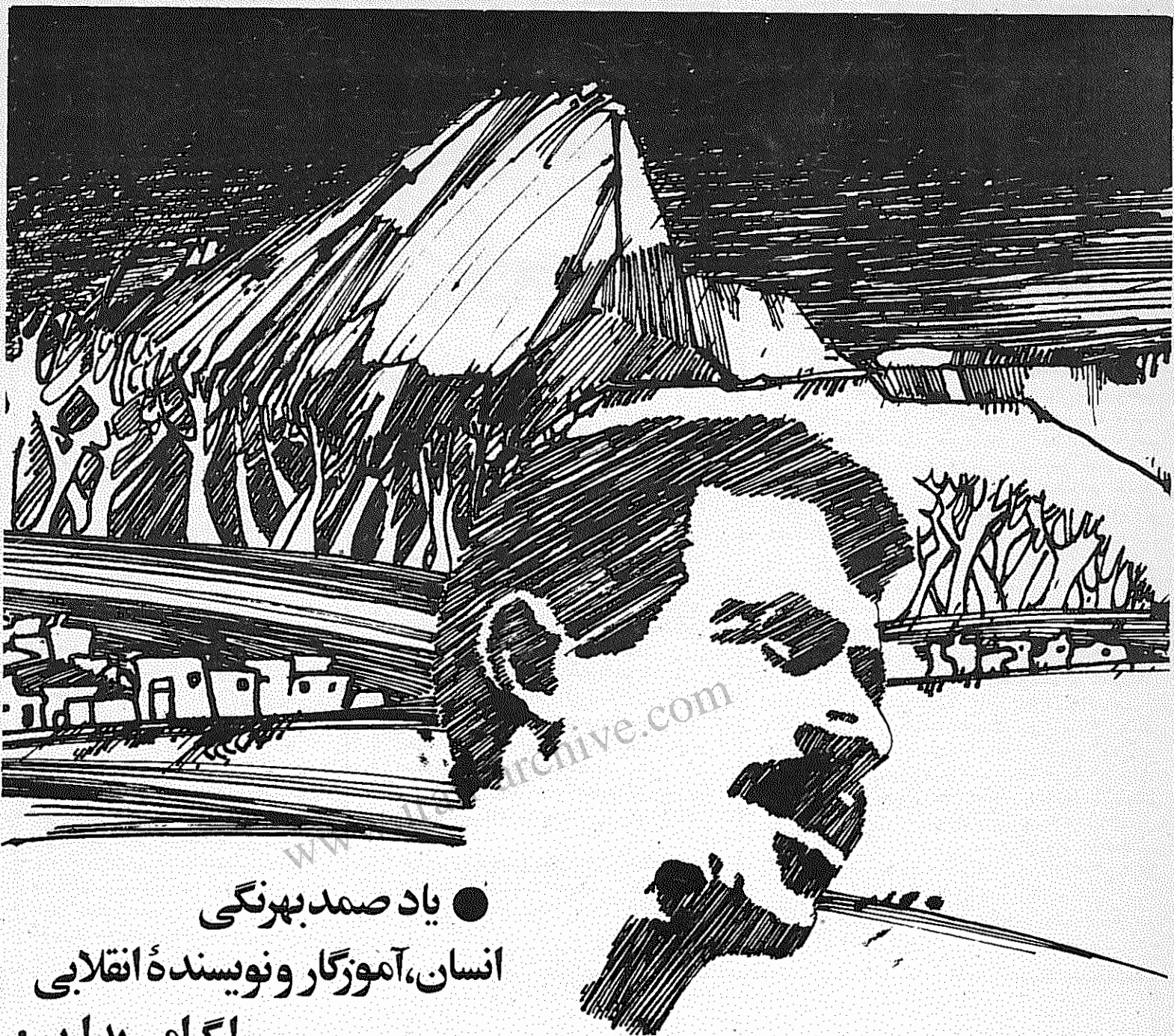
بیشتر به وظیفه خطیر و سنگینی نیروهای انقلابی در جهت آگاه کردن توده ها، پی می بردم. از آنها پرسیدم شما می دانستید که چه عملی انجام می دهید؟ یکی از آنها با حالتی که هم عذاب وجدان و هم ناگزیری و اعتراض را، نشان می داد، گفت: "چه بکنیم، ما کارگر ساختمانی هستیم و همگی کردیم، برای سیر کردن شکم هر کاری باشد می کنیم درست است قبول داریم که کاری که ما برای پاسدارها کردیم، زور گویی بود، ولی توش پول داشت ما هم باید پول در بیاوریم، از کار ساختمانی، سیگار فروشی، باربری، ماشین شویی و چه میدونم هر راه دیگری". احساس پشیمانی و شرمندگی در خلال صحبت هایش به خوبی نمایان بود، گوئی پولی را که از بابت ریختن اثاثیه دانشجویان از ساختمان گرفته بود، به خود ناز و می دانست و در سکوت و با نگاه خیره اش به دنبال چیزی می گشت. با خود گفت: "حالا اون بیچاره ها با اون وضعیت چیکار می کنن". بلافاصله

حوالی عصر بود، در میدان ولی عصر منتظر دوستی بودم. در حاشیه خیابان، چند جوان گرم صحبت بودند. از قیافه شان پیدا بود که کارگر ساختمانی هستند. حرفهایشان جالب توجه انگیز بود. شنیدم که حواسم را جمع کردم تا متوجه صحبت هایشان بشوم. یکی شان می گفت: "همچی ریختن خواب یار و رو پرت کردم که هر تیکه اش به جایی و لوس شد". دیگری می گفت: "۷۰ تومان، چهار ساعت کار، اونهم برای بیرون ریختن یک مشت اثاثیه". دیگری با صدای سنگین و ترجم آمیزی می گفت: "ولی خان تودرست نیست، بیچاره های خانمون شدن". کنجکاو شدم، رفتم جلوتر و از آنها پرسیدم: موضوع چیه؟ کجارو ریختید بیرون؟" اول تردید کردند و از دادن جواب طفره رفتند ولی بعد یکی از آنها جواب را داد و گفت: "والله ما کارگر بیکار ساختمانی هستیم، صبح ها میایم اینجا برای کار گاهی هست گاهی نیست، امروز هم مطابق معمول آمده بودیم برای کار، تا ساعت ۱۱ ماندیم کسی ما رو نبرد، میخواستیم بریم که ۳ تا پاسدار آمدن به ما گفتند کاری نکنین، خوب معلوم بود که کار میکردیم. راه افتادیم و باهاشون رفتیم، شش نفر بودیم. ما را بردند به طرف بیمارستان فیروزگر در اطراف بیمارستان یک ساختمانی بود که دانشجویها گرفته بودندش. پاسدارها ما رو جلوسا ساختمان و ایستادند و خودشان رفتند داخل. بعد از یک ربع دوباره برگشتند و به ما گفتند برین تو ساختمان و هرچی وسایل دیدید بریزین بیرون، رفتیم توواز طبقه بالا شروع کردیم به بیرون ریختن اسباب و وسایل دانشجویها، دانشجو

در نکته روتوزیع
آثار سازمان
بکوشید

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند





● یاد صمد بهرنگی انسان، آموزگار و نویسنده انقلابی را گرامی بدریم!

پدرمان با چه مشکلاتی در اجتماع دست به گریبان است و با چه مکافات لقمه ناسی بدست می‌آورد. صمد به ما آموخت که باید جهان بینی دقیقی داشته باشیم، معیاری داشته باشیم که بتوانیم بکمک آن مسائل گوناگون اخلاقی و اجتماعی را در شرایط و موقعیتهای مختلف حل کنیم، بتوانیم ریشه بیکاری، گرسنگی و فقر را در یابیم و در راه مبارزه با آن قدمهای جدی برداریم.

در سالروز شهادتش، همچنان که تا بحال در عمل نشان داده ایم که "صمد معلم ماست، راه صمد راه ماست"، بخون پاکش سوگند میخوریم که در راه آموزش در سبهای که او در طول زندگی افتخار آفرینش و شهادتش بما داد، دمی از پای ننشینیم. سوگند میخوریم که با هر آنچه که بخواد از ما آذمهای برای پشت و پتیزین بسازد و ما را از شرکت در مبارزات مردم محروم کند به مقابله برخیزیم.

ما در این راه کمک و یاری معلمین انقلابی این ادا مه دهندگان راه بهروزها، مرصیه‌ها و صمدها نیاز مندیم.

در آستانه سالروز شهادت معلم انقلابی مان شاهد اخراج همسنگران صمد بجرم همان چیزی که او زندگی را بخاطر آن فدا کرد می‌باشیم. اخراج بخاطر آگاهی دادن به محصلین، اخراج بخاطر اینکه محیط آموزشی را از فضای بیروح و مرده کتابهای درسی با همان محتوای ارتجاعی دوران آریا مهری به عرصه فعال و زنده مبارزات مردم کشانید و اندو به چه می‌آورد که ریشه مشکلات در چیست و وظیفه آنان بعنوان نیروهای جوان سازنده فر دای این مملکت در چیست.

ما خواهان آموزش این در سها هستیم و در این راه با اتحاد و یگانگی عملمان بر هر مانعی پیروز خواهیم شد.

"جاودان باد خاطر شهدای بخون خفته خلق"

"برقرار باد پیوند معلمین انقلابی با دانش آموزان"

دانش آموزان پیشگام

۵۹/۹/۶

در آستانه دوازدهمین سالروز شهادت صمد بهرنگی هستیم. معلمی که قلبش بر طیش دانش آموزان، یار کودکان روستائی و یاورز حمتکشان بود. صمد سمبل روشنائی، سمبل عشق به خلق و کینه به دشمنان مردم در سالهای سیاه دیکتاتوری بود.

صمد انسانی که قلبش مملو از عشق به توده‌های مردم بود، نویسنده‌ای که قلمش را در جهت بیان اختلافات طبقاتی موجود در جامعه مان و نشان دادن طرق مبارزه با آن بکار گرفت و در این راه هیچکدام از موانعی که رژیم دیکتاتور بر سر راه او ایجاد کرد نتوانست در عزم راسخ او در خدمت به خلق و مبارزه با دشمنان مردم خللی ایجاد کند. صمد می‌گفت:

"مرگ خیلی آسان می‌تواند الان به سراغ من بیاید، اما من نمی‌توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم، البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم - که می‌شوم - مهم نیست، مهم اینست که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد..."

و بر آستی که زندگی و شهادت انقلابیش تحولی نوین در عرصه آموزش و پرورش ما حساب می‌آید.

صمد به چه‌ها درس زندگی و مبارزه آموخت، او به ما یاد داد که به دنیای اطرافمان با چشمان باز و یاد دهنی جستجوگر بنگریم، او به ما آموخت که غیر از یساد گرفتن نطافت، اطاعت از بزرگان، حرف شنوی از آموزگار مسائل دیگری هستند که باید آنها را یاد بگیریم و در زندگی بکارشان ببندیم. باید بفهمیم در مملکتی که هستند چه‌هایی که رنگ گوشت و حتی پنیر را ماه به ماه به سال نمی‌بینند، چرا که عده قلیلی دلشان می‌خواهد همیشه غاز سرخ کرده در شراب سفره‌شان باشد. باید بدانیم بیش از نیمی از مردم جهان گرسنه‌اند و باید راه مقابله با این گرسنگی را بیابیم، باید بفهمیم چرا دروغگوئی بد است؟ چرا دزدی بد است؟ باید ریشه‌های پیدایش رواج دروغگوئی و دزدی را بیابیم. باید بفهمیم

★
● انقلابی دیگری
بخاطر هواداری از -
زحمتکشان در کرمان
اعدام شد.

سحرگاه پنج مرداد ۱۳۵۹، رفیق مهدی صدیق پور در کرمان به جوخه اعدام سپرده شد و با زبا اعدام یکا انقلابی، لکه ننگی بردا من جمهوری اسلامی نشسته.

رفیق مهدی صدیق پور، یکسال بود به عنوان "چندپیشه" در دهی بنام (سید مرتضی) کار میکرد و از آنجا که همیشه در صدد بود تا آگاهان دهقانان روز زحمتکش را با لایبردو آنها را به ریشه های رنج و فقر خود آشنا کند، مورد تهدید خوانین و زمینداران منطقه قرار میگرفت. یکی از آنها بنام سید محمود هاشمی علنا و زنا تهدید میکرد. سرانجام سه شنبه شب سی و یکم مرداد ماه دو نفر از روحانیون ده و دو فرد مسلح بخانه او حمله کردند و او را همراه کتاهاش بزندان کرمان بردند. چهار روز بعد، پس از یک بازجویی کوتاه و پیوج، همچون دژ خیمند ساواک شاه، از او خواستند "تداومت نامه" بتویسد و "تعهد" بدهند تا آزاد شود. کور دلان دادگاه انقلاب اسلامی کرمان، مهدی صدیق پور را با اتهاماتی واهی مثل باج گیری، ایجاد رعب و وحشت و مشروب خوری و در واقع بخاطر هواداری از زحمتکشان و توده های تحت ستم و بخاطر مبارزه جوی و آشتی ناپذیری با سرمایه داران و زمینداران، این دشمنان خلق طبقه کارگر، صبح روز یکشنبه او را در مقابل جوخه اعدام قرار دادند و با ریگرخون سرخ یک انقلابی را همچون لکه ننگی بردا من خوندشاندند.



کشتار "قارنا"

یادآور قتل عام "دیریاسین" بدست صهیونیست ها

بعنوان سند جنایتی هولناک از جمهوری اسلامی در تاریخ باقی خواهد ماند، ماهیت هیئت حاکم و دشمنی آشکار آنرا با خلقهای تحت ستم میهنمان، افشاء کرد.

آنها همانند تمامی سرکوبگران خلقها در این خیال باطل بودند که ماقبل عام روستای قارنا، رعب و هراس در دل توده های کسرد ایجاد کنند و جنبش مقاومت خلق کرد را درهم بشکنند اما تاریخ مکرر بر یک چنین خاسام اندیشی هائی مهربلان زده است.

امروز یکسال پس از قتل عام قارنا، جنبش مقاومت خلق کرد در سرفراز تر و استوار تر از همیشه مصممانه در مقابل نیروهای ضد انقلاب و دشمنان توده های تحت ستم و استعمار پایرجا ایستاده است.

تاریخ نشان داده است که هیچ قتل عام و هیچ سرکوبی قادر نیست مانع پیروزی توده ها گردد.

پیروزی خلقهای تحت ستم و شکست مرتجعین، این است ضرورت اجتناب ناپذیر و حتمی تاریخ.

یک سال پیش در یازدهم شهریور ماه همزمان با یورش سرکوبگران و وحشیانه نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به مهاباد، سرکوبگران خلق کرد بجنایتی فجیع و وحشیانه دست زدند که در تاریخ باجنایات فاشیستها در آلمان و جنایات صهیونیستها در سرزمین فلسطین و قتل عام هائی نظیر "دیریاسین" قابل مقایسه است. در این روز نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی و مزدوران ملاحسنی با یورش وحشیانه به روستای "قارنا" در نزدیکی نقده زحمتکشان این روستا را دسته جمعی قتل عام کردند و ۶۸ تن از پیر و جوان و کودک را به وحشیانه ترین شکل بقتل رساندند.

کسانی که بدروغ خود را طرفدار خلقهای تحت ستم و از جمله خلق قهرمان فلسطین معرفی می کنند و از جنایات هولناک صهیونیستها در سرزمین فلسطین و فجایع آنها در "دیریاسین" یاد می کنند، جنایات صهیونیستها را در دیریاسین خود در قارنا "تکرار کردند".

کشتار دسته جمعی مردم روستای قارنا که

گرامی باد یاد رفقای شهید شهرپور ماه

- ★ غلامحسین بیگی
- ★ جمیل یخچالی
- ★ علی میرشکاری
- ★ یعقوب نقدیری
- ★ طهمورت اکبری
- ★ حسن جان لنگوری
- ★ ابوبکر حمیدی

- ★ پرویز داودی
- ★ ناصر سلیمی
- ★ مسعود عرفان
- ★ عباس کابلی
- ★ حسن سعادت
- ★ هاشم بابا علی
- ★ ایرج سپهری

داری کمونیست ها را به آرمان سرخ طبقه کارگر و ایما نشان راه رها نمی زحمتکشان نشان دادند. یا دو خاطره: این رفقا همواره الهام بخش همه کمونیست های انقلابی در مبارزه آشتی ناپذیرشان علیه دشمنان خلق طبقه کارگر خواهد بود.

- ★ احسن ناهید
- ★ شهریار ناهید

خاطره پرشکوه رفقای شهید شهرپور را همچون دیگر شهدای پرافتخارمان گرامی میداریم. شهدای کسان ابتدای حیات سازمان لحظه ای نیز از مبارزه بی امان علیه دشمنان خلق نیا سوئند.

شهدای شهرپور چه آنها که در دوران سیاه دیکتاتوری تالوران در مقابل دشمن خلق ایستادند و چه آنها که پس از قیام شکوهمند مردم بدست هیئت حاکمه کنونی شهید شدند، وفا

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر